

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

پنجشنبه ۱۹ تیر ماه ۵۹ شماره ۷۵ تک شماره ۱۰ ریال

دکه داران خیابان مصدق:

بما کار بدهید و یا بگذارید در فروشگاه های بزرگ امروز معاش کنیم

انتشار اطلاعیه ستاد پاک سازی شهر تهران در روز دوشنبه و تعیین مهلت ۴۸ ساعته برای برچیدن دکه های موجود در سطح شهر، کلیه دکه داران شهر تهران و بویژه دکه داران خیابان مصدق را نگران آینده خود نموده و آنها

بفیه در صفحه ۲



تظاهرات دکه داران در روز سه شنبه مقابل نخست وزیری

مبانی اتحاد میان سوسیالیسم انقلابی و اسلام مبارز

در صفحه ۴

در حاشیه سفر وزیر اطلاعات و خارجه ویتنام به ایران

نماینده ویتنام در ایران چه میخواهد؟

تجاوزگران روسی - ویتنامی میخواهند رژیم دست نشانده خود در کامبوج را بعنوان نماینده مردم کامبوج به کشورهای جهان تحمیل کنند

باند کیانوری حزب توده منفورترین گروه سیاسی در ایران است

باند کیانوری درد آگاه خلق

۱۶ ماه سیاست

ریاکارانه باند کیانوری

با عدم موفقیت روبرو شده است

افشاء مستمر توطئه های باند کیانوری در حزب توده علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و نیروهای استقلال طلب، این دار و دسته مزدور را دچار وضع دشواری کرده است. باند سرسپرده کیانوری در یکسال ونیم که از زمان پیروزی انقلاب میگذرد، تا کنون سه دسائس و حیل های بسیاری متوسل شده است تا چهره واقعی خود به مثابه ستون پنجم و جاسوس امپریالیسم روسیه را زیر پوشش "پشتیبانی" از جمهوری اسلامی

بپوشاند. لیکن در اثر افشاگریها و آگاهی رشد یابنده توده مردم طرفی نبسته است و از طرف توده مردم چیزی بجز آبراز تنفس و احساس خشم دریافت نکرده است و از اینرو کماکان منفرودترین و منفورترین گروه سیاسی ایران است. در این مدت، در مقابل این دارو دسته وابسته به بیگانه صدای توده های مردم و نیروهای مختلف استقلال طلب، هر روز هماهنگ تر گشته و نیروهای راستین انقلاب و متعهد به شعار نه شرقی نه غربی به وظیفه عاجل خود در افشاء هرچه بیشتر این دار و دسته و مخاطراتی که برای ادامه انقلاب فراهم ساخته بیش از پیش آگاهی می یابند.

در همین چند روز گذشته دهها بیاتیه و مقاله افشاءگرانه علیه سرسپردگی های باند کیانوری انتشار یافته است. سخنگوی وزارت نفت به اعتراضات حزب توده در مورد قرار داد گاز با روسیه پاسخ گفته و بطرز موثری روشن کرده است که این دارو دسته تا چه حد برای

بفیه در صفحه ۲

موج «پاکسازی» و «طاعت زدائی»
ادارات رافرا گرفته است

مبارزه با بوروکراسی یا مبارزه
برای حاکم شدن بوروکراسی؟

پس از آنکه امام خمینی وضع موجود در ادارات کشور را مورد انتقاد قرار داد و با منعکس نمودن دردها و مشکلات مردم صریحا از مسئولین خواست تا به وضع موجود پایان دهند و در اسرع وقت دگرگونی های لازم را در خدمت توده های مردم بوجود آورند، جنب وجوشی در دستگاه های اداری کشور پدیدار گشت و فعالیت هایی از طرف دست اندرکاران تحت عنوان اجرای اوامر امام و زیر شعارهای "محو آثار طاغوت" - "اسلامی کردن نهادهای اداری" و "پاکسازی عوامل وابسته به رژیم گذشته" آغاز شد.

اما آیا منظور از مبارزه با بوروکراسی همین فعالیت هاست که در ده روز گذشته شاهد آن بوده ایم؟ و آیا دست اندر کاران واقعا هدف ایجاد دگرگونی بنیادی در نهادهای اداری بنفع توده مردم و شکوفایی اقتصاد کشور را دنبال می کنند؟

اگر پوسته شعارها و بیانیتهای انقلابی صادر شده در این روزها را کنار بزنیم و برنامه ها و عملکردها را معیار قرار دهیم، نمیتوان در این مورد زیاد خوشبین باشیم.

فعالیت هایی که هم اکنون بعنوان "انقلابی دیگر" بجریان افتاده در دوره بعد از پیروزی انقلاب بیسابقه نبوده است، همه میدانند که حداقل دوبار نهادهای اداری کشور "پاکسازی" شده است و شعارهای دیگر چون "محو آثار طاغوت" و "اسلامی شدن نهادهای اداری" نیز با شدت و ضعف های مختلف همواره در دستور کار قرار داشته است.

اما آیا چنین فعالیتی پاسخگوی نیازهای انقلابی جامعه در مبارزه با بوروکراسی بوده است؟ روشن است که جواب منفی است. زیرا تکرار مکرر این شعارها و فعالیت ها خود بیان عدم موفقیت مسئولین در "مبارزات" گذشته است.

تنها تفاوت جنبش اخیر با نمونه های گذشته در اینست که از گستردگی بیشتری برخوردار است، اما ماهیتا تفاوتی با فعالیتهای گذشته در این زمینه ندارد، همانگونه که وضع بوروکراسی نیز علیرغم چنین اقداماتی، با گذشته تفاوت چندانی نکرده است.

از اینروست که مجبوریم در انگیزه دست اندرکاران این مبارزه تردید کنیم. چرا که اگر هدفگیری دگرگونی اساسی سیستم اداری کشور بود، با آشنایی که به مشکلات و فسادها در این زمینه موجود است و خود دست اندر کاران نیز بیش از همه بآن واقفند برنامه های بنیادی و متفاوت از آنچه که پیش رو داریم لازم می آید.

اساس بوروکراسی که در حال حاضر با آن روبرو هستیم از نظر اقتصادی با تکیه به درآمد فروش نفت درست شده و همچنان از نظر اقتصادی متکی به پول نفت است. از نظر سیاسی نیز دست پرورده رژیم طاغوت و دیوانسالارانی چون هویدای معدوم است.

بوروکراسی ایران بخاطر مشخصات فوق الذکر علیرغم آنکه اکثریت قریب به اتفاق کارمندان متعلق به طبقات متوسط جامعه هستند و از میان توده مردم برخوردارند، بعنوان یک سیستم، کاملا غیر مردمی است و به هیچوجه یاری دهنده مردم و حلال مشکلاتشان نیست. بعلاوه اینکه خود عاملی برجسته در جلوگیری از شکوفایی تولید و اقتصاد ملی محسوب میشود. این مسایل ناشی از ماهیت بوروکراسی ایران از نظر رابطه آن با تولید ملی و همچنین سیاست حاکم بر آن بوده است و اصولا به کارمندان آن مربوط نمیشود. صالح ترین و خیراندیش ترین عناصر نیز بعد از پیوستن به این دستگاه عریض و طویل مهرهای از این ماشین شده و در درون این سیستم تابع روابط کلی آن می گردند.

کافیست توجه کنیم که در دوران انقلاب اعتصابات متد کارمندان دولت ضربه چشمگیری به رژیم منحوس طاغوت زد. اعتصابات که بیانگر همراهی کارمندان ادارات با توده مردم بود، لیکن همچنان میبینیم که دستگاه های اداری با مردم نیستند و بدرد آنان نمیرسند.

بر اساس این تناقض بیپوده است اگر تصور شود با جابجایی و تغییرات در کادر اداری و رنگ و لعاب زدن به ظاهر این دستگاه میتوان مشکل را حل کرد.

مادامیکه نقش اجتماعی دستگاه های اداری در عمومی ترین ابعاد خود تغییر نکند، نمیتوان انتظاری بیشتر از آنچه اکنون با آن روبرو هستیم از این ماشین عریض و طویل داشت که البته این بمفهوم نفی اصلاحات و تغییرات غیر بنیادی ولی مثبت در دستگاه دولتی نیست. اما اینگونه رقمها نیز باید تابع برنامه کلی و در جهت تغییرات زیر بنایی باشند.

تغییر نقش اجتماعی و دگرگونی بنیادی این سیستم نیز به تغییر رابطه انگلی بوروکراسی با اقتصاد ملی و تبدیل آن به نهادی سازنده و در

جنایات و تجاوزات بشمار صهیونیستهای اسرائیل در دو ماه گذشته در مناطق غربی رود اردن و نوار غزه، افراد بیشتری را در سطح جهانی برای دارودسته بکین به همراه آورده است.

دولت بکین بمنظور غصب همیشگی سرزمین فلسطین، اعراب و فلسطینی های مقیم این مناطق را بسا توسل به ارتش و پلیس از سرزمین خود اخراج نموده است و پیوسته در حال ساختن شهرک های جدیدی در این نواحی میباشد. ترور شخصیت های عربی و رهبران فلسطینی ها، بمب گذاری در ماشین های سواری و در محله های مختلف فلسطین نشین و در اخیرا تجاوز به حریم مذهبی و ملی خلق های فلسطین و اعراب در غصب منطقه شرقی بیت المقدس بخشی از کارنامه سیاه جنایات تروریست های بکین را دربرمیگیرد.

در مقابل چنین اجحافات با خلق فلسطین، موج اعتراضات افکار مترقی جهان علیه صهیونیست ها بر خاسته است و کشورهای جهان

دعوت سازمان جوانان انقلابی برای خدمت در روستاها

جوانان میهن دوست و قهرمان مردم قهرمان مادرپرتوان انقلاب اسلامی برهبری امام خمینی توطئه های ابرقدرتهای آمریکا و روسیه را یک خنثی می کنند و با تکیه به نیروی لایزال خویش برای بالا بردن تولید ملی و خودکفائی، برای قطع وابستگی به امپریالیسم قدم برمیدارند.

روستائیان با آگاهی کامل به اهمیت ازدیاد محصول کشاورزی در مبارزه برای خودکفائی و قطع وابستگی با شورش فراوان به کار توسعه گشت و برداشت غلات و سایر محصولات کشاورزی مشغولند در این بیگار عظیم آنها تنها نیستند. جوانان انقلابی نیز به ندای استقلال طلبانه دهقانان پاسخ داده و با تمام نیرو و همدوش آنان در این نبرد شرکت دارند. جوانان انقلابی رسالت خویش میدانند که پیوند خود را با دهقانان و کارگران هرچه فشرده تر نمایند، مانند

انزجار خود را نسبت به جنایات اسرائیل بیان نموده اند. کشورهای اسلامی پس از تصویب لایحه غصب بیت المقدس شرقی (انتقال پایتخت باین شهر) در پارلمان اسرائیل از سازمان ملل متحد درخواست صدور قطعنامه ای را نمودند. دوشنبه هفته قبل شورای امنیت سازمان ملل طی قطعنامه ای از اسرائیل خواست تا از هرگونه تصمیم در مورد تغییر ماهیت بیت المقدس پرهیز کند. ۱۴ عضو از صبه در صفحه ۲

ناه ای از گردستان

دولت باید در گردستان عفو عمومی اعلام کند

نام وزیر که درباره اوضاع گردستان و پیروژه شهر سنج و خطاب به ملت ایران و ریاست جمهوری نوشته شده، به "رنجبر" رسیده است که ما در زیر آن نامتشر میکنیم.

* * *
آیا رسالت انقلاب، دادن حق مردم است یا سرکوب؟

ملت مبارز ایران و رئیس جمهور! امید است مجموعه نوشته های زیر که درباره اوضاع گردستان میباشد نمودار عمیق فاجعه در سنج بوده و لازم به تامل.

ارتش و پاسداران قبل از ورود به شهرها بخاطر کوبیدن نیرو های سیاسی مبادرت به بمباران و خمپاره باران شهرها نمود. بعد از درگیری های سختی که کم و بیش اخبار آن را هم می دانیم، ارتش و پاسداران وارد شهر سنج شدند. سقا، بانه و دیگر شهرهای گردستان شدند تا حاکمیت دولت رادشهری های نیمه ویرانه ای که در آن پدران فرزندان از دست رفته و فرزندان پدر و مادر از دست رفته در سوگ عزیزان خود نشسته اند، مستقر کنند.

استقرار دولت در گردستان و بخصوص در سنج از طریق اخراج بی رویه کارمندان دولت (به اتهام همکاری با ضد انقلاب) در بسیاری از ادارات و منحل کردن آموزش و پرورش انجام شده است. فرض که در این ادارات عده ای باشند که با نیروهای سیاسی همکاری کرده باشند، آیا شایسته است که یکسال عمر فرزندان این خطه از ایران تباه شود؟ این است حاکمیت دولت آنهم دولتی

آقای "فان مین" وزیر اطلاعات و خارجه ویتنام وارد تهران شد. وی در یک کنفرانس مطبوعاتی که بعد از ظهر سه شنبه (پریروز) برگزار شد گفت: "من بایران آمده ام تا مراتب پشتیبانی دولت و ملت ویتنام را از مردم انقلابی ایران در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا اعلام دارم و همچنین اوضاع ویتنام و کامبوج را به اطلاع دولت و ملت ایران برسانم. دیدار وزیر خارجه ویتنام از ایران دنباله تشدید فعالیت های دیپلماتیک روسیه و شرکایش در هفته های اخیر است. قبلا "مالمیرا" وزیر خارجه کوبا "فان وان دونگ" نخست

ناه ای از گردستان

دولت باید در گردستان عفو عمومی اعلام کند

که بگفته رسالت انقلاب را دارد؟ هنگامی که ارتش و پاسداران و پیشمرگان به اصطلاح مسلمان کرد، شهر سنج را تصرف نمودند از همان بدو ورود دست به دستگیری جوانان شهر بخصوص دختران زدند. افراد پیشمرگان به اصطلاح مسلمان بخاطر کسب قدرت از هیچ جنایتی دریغ نمیکنند و جای تاسف است که دولت ایران را حامی خلق کرد میداند در حالیکه ماهیت این ارادل و اوباش برای مردم گردستان روشن است و حتی هنگام ورود به سنج دولت دریافت که اینان هیچ پایگاهی در میان مردم ندارند. حال سنج و دیگر شهرهای متصرف شده میدان تاخت و تاز اینان میباشد. در سنج کمتر محلی و خانه ای یافت میشود که توسط اینان به آن حمله نشده باشد و کمتر کسی است که دولتی سه باردستگیر و آزاد نشده باشد و معلوم نیست این پیشمرگان مسلمان ما قدرت اجرایی از کدام ماده قانون اساسی دارند که فود آزاد شده های رادوباره دستگیر و شکنجه نمایند و حتی تا آنجا پیش بروند که دست به مصادره اموال و یا اعدام و ترور مردم بزنند. آیا این نقی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیست؟

در سنج افرادی زندانی هستند که به آنها "ضد انقلاب" میگویند، بیائید کمی بجریان "ضد انقلاب" شدن توجه کنیم. در زمانی که گردستان و سنج

تحریم اقتصادی بود. آیا به خانواده های بی بضاعت کمک کردن و در میان مردم شهر مواد غذایی توزیع کردن یک عمل ضد انقلابی است؟ در حالیکه در شهر برق نیست نانوا بی کار نمیکنند نان درست کردن و مردم رساندن یک عمل ضد انقلابی است؟ در کدام مرام و مسلک امر رفاهی کار ضد انقلاب است؟

و بازمانی که شهردر زیر خمپاره بود زمانی که فانتومها و هلیکوپترها آبی از آسمان شهرها

بقیه در صفحه ۲

خارجه روسیه به سورهای دینیس سنگاپور، برمه، نیپال، ایران پاکستان سفر سیاسی داشته اند. ما همان موقع در رنجبر شماره ۴۹ ماهیت چنین "سفرها" و "ماموریت" هایسی را روشن و افشا کردیم.

در افشای چنین رفت و آمد های ما بصراحت بیان کردیم که هدف روسها و شرکای کوچکترش جلب کشورهای متزلزل، منفرد کردن کشور های قاطع و بالاخره ایجاد شکاف در جبهه کشورهای مخالف تجاوز سوسیال امپریالیسم در جهان است.

در این شماره:

جنگال سیاسی بر سر محاکمه شهرام صفحه ۲

ویتنام به کجا میرود؟ صفحه ۵

بانکهای منطقه ای باید هر چه زود تر تشکیل شود. صفحه ۵

باند کیانوری در...

از صفحه اول
کیانوری در این زمینه نیز برملا می‌گردد.
مبلغین علنی باند کیانوری در هر گوشه از کشور دائماً در محاصره نیروهای استقلال طلب و انقلابی قرار داشته و بحث های خیابانی اکثراً با شعارهای علیه باند کیانوری، مرگ بر روسیه، مرگ بر هرگونه وابستگی به پایان میرسد.

حتی موضوع خرابکاری باند کیانوری در شعارهای استقلال طلبانه‌ای که بر در و دیوار شهرها نوشته شده است موضوع بحث کوجه و بازار و مطبوعات کشور می‌شود و خط خوردن شعارهای ضد امپریالیسم روسیه از روی دیوارها در سرتاسر ایران توسط باند کیانوری بعنوان سندی دیگر بر اثبات وابستگی عمیق ونوکبر منشی این دار و دسته به روسیه تجاوزگر اعلام میگردد.
اینها صدای رسای توده مردم و انقلاب عمیقاً استقلال طلبانه ایران علیه مزدوران وابسته

بما کار بدهید...

از صفحه اول
حدود ۳۰۰ نفر در روز سه شنبه از دکه داران و دستفروشان خیابان مصدق بمنظور اعتراض به اقدام جدید ستاد پاکسازی دست به راهپیمایی زده و پس از طی مسیر خیابان مصدق در جلوی نخست وزیر اجتماع کردند. این راه پیمایی که با نظم خاصی برگزار شد پس از قرائت یک قطعنامه ۱۲ ماده‌ای از طرف یکی از نمایندگان دکه داران خاتمه یافت.
نماینده دکه داران ضمن دعوت اجتماع کنندگان به آرامش و حفظ نظم افزود که مامدافع و پشتیبان رژیم کنونی هستیم و تا کنون هم از این رژیم دفاع کرده‌ایم.

در قطعنامه دکه‌داران که متن کامل آن به مقامات مربوطه ارائه شده است، پیشنهادات آنها برای رفع این مشکل بطور خلاصه بشرح زیر بیان شده است:
- فروشگاه بزرگ ایران که پس از انقلاب بی بهره مانده است میتواند مشکلات ما را حل نماید. این فروشگاه گنجایش ۲ هزار غرفه را دارد و ما حاضر هستیم تمام هزینه‌های آن را بپردازیم.

به روسیه است و موفقیت و دست آوردی مهم برای انقلاب اصیل نه شرقی نه غربی ایران محسوب میشود.

ناگامیهای پیاپی نوکران روسیه در ایران دستاورد مشترک نیروهای اسلامی، ملی و سوسیالیستی استقلال طلب است که ستونهای استوار دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران در مقابل دو ابرقدرت آمریکا و روسیه را تشکیل میدهند.

اکنون که باند کیانوری به محاصره نیروهای استقلال طلب و توده‌های وسیع مردم درآمده است به تلاش های خود می‌افزاید و از جمله می‌کوشد تا دشمنی ها و عداوت ها را در صفوف خلق دامن بزند و بویژه تلاش میکند تا از تضادهای موجود در میان خلق و گروههای حاکم سوءاستفاده کند و آنها را بجان هم بیاندازد.
وظیفه همه نیروهای متعهد بانقلاب است تا هوشیارانه چنین توطئه‌های را عقیم بگذارند و حلقه این محاصره را هرچه تنگ تر کنند و ضربات بازمم بیشتری به عوامل وابسته به دشمن وارد آورند.

عده زیادی از دکه‌داران میتوانند بکارهای تولیدی و فنی بپردازند باین دلیل طبقات بالای فروشگاه را بعنوان محل تولید و طبقات پایین را بعنوان محل فروش بکار گرفت.
افراد این فروشگاه متعهد خواهند شد که بعنوان کمک‌هفتنای یک روز برای جهاد سازندگی کار بکنند.

در پایان این قطعنامه آمده است: "ما دکه‌داران از تمام مسئولان و مخصوصاً شهرداری میخواهیم که در مورد این طرح که بستگی به امرار معاش افراد زیادی دارد بما یاری کنند و در صورت بی‌توجهی به این خواستها، ما دستور جمع‌آوری دکه‌ها را بعنوان یک دستور تخریبی تلقی خواهیم کرد."

در اعلامیه دکه‌داران خیابان مصدق همچنین آمده است: "آیا شما میخواهید شهر را پاکسازی کنید یا اینکه جوانان بیگار و مردانی که متاهل و دارای زن و بچه هستند و بخاطر عشقی که به این انقلاب داشتند و مانند دیگر اقشار مردم با تمام وجود در آن شرکت کرده و برای سرنگونی رژیم ساقط شده است، از جان خود هم دریغ

ارگان حزب رنجبران ایران

مبارزه با بوروکراسی...

اکنون که توطئه‌های باند کیانوری علیه جمهوری اسلامی علیه استقلال و حاکمیت ملی ایران در حد نسبتاً گسترده‌ای برملا شده، لازم است که این مبارزه را تا به آخر به پیش ببریم. ابرقدرت امپریالیستی روسیه با تمام وسایل وامکانات خود علیه جمهوری اسلامی نوپای ایران توطئه می‌چیند و باند کیانوری هم در این زمینه نقش موثری را برعهده گرفته است. افساء ابعاد سر سپردگی و وابستگی این دار دسته به امپریالیسم روس و فعالیت های خرابکارانه، نفاق افکنانه و ضد ملی آن و همچنین مبارزه بی امان سیاسی بمنظور خنثی کردن توطئه‌ها و به انفراد مطلق کشانیدن این مشت کوچک عمال روسیه همچنان در دستور کار کلیه نیروهای استقلال طلب قرار دارد.
و بالاخره اتحاد همه نیروهای استقلال طلب ضرورت حیاتی انقلاب در مرحله کنونی است. تنها پاسخگویی به این ضرورت است که شرایط را برای کسب پیروزی‌های بیشتر و تداوم انقلاب اسلامی ایران مهیا می‌سازد.

موضوع مرکزی این رقابت در اینست که آیا دستگاههای اداری کشور بعنوان اهرم مهمی در قدرت سیاسی تحت نفوذ کدام گروه از حاکمین باشد و این دستگاهی که قاعدتاً می‌بایست رفیق راه و ابزار اجرایی ریاست جمهوری و مسئولین اجرایی کشور باشد، آیا در این جهت عمل کند و یا برعکس به ابزاری جهت کنترل قدرت اجرایی و در نهایت تضعیف این قدرت منتخب مردم در آید

چگونگی پیشرفت فعالیت ها در ده روز گذشته و نحوه تبلیغات رسانه‌های گروهی، واقع بینانه بودن این ارزیابی را اثبات میکند، زیرا رهنمودهایی که از طرف امام به مسئولین اجرایی کشور داده شد تا آنان برای اجرای آن اقدام کنند، در عمل به اقداماتی سیاسی و تبلیغاتی علیه مسئولین اجرایی مملکت تبدیل شد.
از اینرو نباید انتظار داشت که اولاً از این رهگذر تغییراتی اساسی در سیستم اداری کشور بوجود آید. ثانیاً به حل مسایل سیاسی کنونی کشور و بخصوص موضوع وحدت بین حاکمین کمک نماید. ثالثاً در همین محدوده تغییرات سطحی نیز وضع بهبود یابد.
تجربه یکسال ونیم بعد از انقلاب نشان میدهد که پرچمداران چنین تغییراتی نتوانسته‌اند نمونه‌های مثبتی در این زمینه ارائه دهند و دستگاه هایی با کیفیتی متفاوت بوجود آورند.

بنیاد مستضعفین و بنیادهای مختلف مسکن و دیگر نمونه‌ها را در نظر آوریم که چگونه همان کاغذ بازی ها در آن رایج است، همان بی‌توجهی به مشکلات مردم و سر دواندن آنها و همان سوء استفاده‌های کلان توسط بعضی عناصر منحرف در آنجا هم صورت گرفته است. بهمین جهت چه نهادهای تشکیل شده بعد از انقلاب جایگزین سیستم اداری کنونی گردد و چه سیستم کنونی تابع همان سیاستها شود، تغییر اساسی در وضع بوجود نخواهد آمد. تنها وضع دستگاه اجرایی باز هم بیشتر مختل می‌شود و موضوع مجریان امور ضعیف تر می‌گردد.

با توجه به بالا ذکر شد معتقدیم:
۱- ایجاد تغییرات اساسی در سیستم اداری کشور لازم و ضروریست و می‌بایست تحت برنامه‌های حساب شده در رابطه با تولید به پیش رود و دستگاه اداری نقش ماهیتا جدیدی در شکوفایی اقتصاد ملی و خدمت به مردم پیدا کند. اما فعالیت هایی که در حال حاضر صورت می‌گیرد مبارزه با بوروکراسی نیست.
۲- فعالیت های کنونی مبارزه گروهی جناح‌ها برای حاکم شدن بر دستگاههای اداری کشور است و بخشی از رقابت در درون حکومت را تشکیل می‌دهد، از این رو نه در وضع مردم موثر است نه در خدمت به سر و سامان دادن وضع سیاسی کشور و مستلحوحدت.
۳- در حال حاضر هرگونه فعالیتی که برای ایجاد تغییرات در دستگاههای اداری کشور صورت می‌گیرد (از قبیل پاکسازی، تعیین مسئولین و...) قاعدتاً می‌بایست با مشورت کارمندان ادارات و صاحب نظران و به تصمیم مسئولین قوه اجرائیه انجام شود.

اخبار
نیروهای
سیاسی

جنگال سیاسی
بر سر محاکمه
شهرام

باز نزدیک شدن زمان محاکمه تقی شهرام، عضو سابق کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق، که بقیه‌او را از مسئولین اصلی تصفیه‌های خونین درون این سازمان (ترور شریف واقفی و صمدیه لیا ف) معرفی کرده‌اند، سرو صدای گروه‌های سیاسی دین‌بغ بلند شده است.

از جمله سازمان مجاهدین خلق طی اعلامیه‌ای اعلام کرده است "چون گلیه‌ی جرائم ارتکاب شده از جانب متهم مستقیم و یا غیر مستقیم در ارتباط با مجاهدین خلق ایران بوده است حضور نماینده سازمان در کلیه مراحل تحقیق و محاکمه ضروری است."

ظاهراً نگرانی سازمان مجاهدین به گفته خودشان از این است که: "در شرایط کنونی محاکمه متهم به وسیله‌ای برای ضدیت و تحریک علیه مجاهدین تبدیل نگردد و اظهارات مختلفی را که از هر جانب در دادگاه علیه شهیدان و ارزشهای مکتبی مجاهدین خلق به عمل می‌آید بی‌پاسخ نماند.
همچنین گروه مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر که یکی از چند سازمانی است که از درون جنبش منشعب از مجاهدین خلق بیرون آمده طی اعلامیه‌ای به "محاکمه کمونیست انقلابی تقی شهرام توسط رژیم ضدانقلابی حاکم (!) اعتراض نموده است. گروه آرمان که از چپ نهای تندتاز است، اولیاً جریانی است که صریحاً و آشکاراً بد دفاع کامل از شهرام پرداخته است

نظرات گروه‌ها
در باره انشعاب

بهره‌ریم -
- غرفه فقط به کسی داده شود که در جای دیگری کار نداشته باشد و بهر کس بیش از یک غرفه داده نمی‌شود.
- میتوان با صادر کردن کارت برای این غرفه‌ها از واگذاری و یا فروش آنها به دیگران جلوگیری نمود.
- افراد این فروشگاه دوش بدوش دولت انقلابی خود افراد فاسد را طرد خواهد نمود و برقراری نظم و امنیت آنرا بعهده خواهد گرفت.

نماینده ویتنام ... از صفحه اول

فصد روسیه و شرکا از این تعرض دیپلماتیک تضعیف جبهه مبارزه با سلطه‌گری و تجاوز امپریالیسم روسیه و خنثی کردن یا تخفیف مبارزه کشورهایی که علیه دوا بر قدرت مبارزه میکنند و برسمیت شناختن رژیم‌های وابسته و تحمیلی کامبوج و افغانستان از طرف کشورهای متزلزل بوده است. اکنون پس از گذشت دو ماهه سیر تحولات اوضاع جهان صحت نظر مارا با ثبات رسانده است.

دولت هند پس از چندین بار معلق زدن در اتخاذ مواضع خود بلاخره روز دوشنبه گذشته مرغوب اشغالگران روسی و ویتنامی شورورژیم دست نشانده "هنگ سامرین" در کامبوج را برسمیت شناخت.

اکنون نیز ماهشدار میدهم که از اهداف مسافرت وزیر خارجه ویتنام به ایران ترغیب و حتی تهدید دولت ایران برای برسمیت شناختن رژیم وابسته و دست پرورده ویتنام در کامبوج است، رژیمی که حاصل اشغال

تجاوز اسرائیل ... از صفحه اول

۱۵ عضو شورای امنیت به نفع این قطعنامه رای دادند. افراد اسرائیل و موج اعتراض علیه اسرائیل بحدی بود که حتی امپریالیسم آمریکا، پشتیبان همیشگی اسرائیل، قادر نشد از حق و توی خود استفاده نماید و مجبور شد از دادن رای خودداری نماید.

در قطعنامه شورای امنیت همچنین آمده است که در صورتیکه اسرائیل از انجام مفاد قطعنامه خودداری کند، راهها و طرقی موجود است که وی را به انجام این کار مجبور سازد.

سر...
در خیابانها رها کنید؟ ... یا اینکه جوانان را بخاطر بیکاری بسوی مواد مخدر سوق دهید؟ آیا چه دستهایی هستند که مردم را از گار کردن شرافتمندانه باز میدارد و آنان را بسوی نارضایتی سوق میدهد؟ ...
در ادامه این اعلامیه آمده است که: اگر کاری برای ما فراهم کردید خودمان تضمین می‌کنیم که دکها را جمع کنیم والا هیچگونه درآمدی بجز دستفروشی برای سیر کردن شکم زن و بچه‌های ما وجود

کشور مستقل و غیر متعهد کامبوج (کامبوج) توسط بیش از دویست هزار نفر از ائتلاف متجاوز ویتنام است، رژیمی که طبق آمار محافل بین‌المللی مانند صلیب سرخ به کشته شدن یک میلیون کامبوجی و آواره شدن یک میلیون دیگر منجر شده است.
بنظر ما دولت جمهوری اسلامی ایران باید مناسبات خویش با کشورهای مختلف جهان از دو اصل پیروی کند:

۱- برقراری مناسبات دیپلماتیک با کلیه کشورهای جهان بر اساس پنج اصل مسالمت آمیز - که مبتنی بر اصل برابری و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر است.
۲- عدم برقراری هر نوع مناسبات دیپلماتیک و شناسایی رژیم‌های اشغالگر تحمیلی و غیر قانونی نظیر اسرائیل، آفریقای جنوبی، افغانستان و کامبوج، زیرا چنین رژیم‌هایی توسط ارتش‌های بیگانه بر سر کار آمده و بر مردم این کشورها تحمیل شده‌اند. مقامات مسئول باید توجه داشته باشند که برسمیت شناختن رژیم پوشاری و دست نشانده "هنگ سامرین" تفاوتی با قبول

دعوت سازمان جوانان ... از صفحه اول

شاگرد کوچکی از آنان بیاموزند و دست در دست آنان تولید ملی کشور را ببرند و به خودکفائی کشاورزی تحقق

صهیونیستها در انفراد کامل بسر می‌برند و چه در جبهه داخلی و چه در جبهه خارجی با مشکلات عدیده‌ای روبرو هستند. ادامه مبارزه موفقیت آمیز کشورهای عربی و خلق فلسطین علیه صهیونیسم اشغالگر و پشتیبان آن امپریالیسم آمریکا به وحدت و یکپارچگی آنها نیازمند است.

دکه‌داران منعکس کرده‌ایم و معتقد هستیم که مسئولان امر باید هرچه زودتر به وضع نابسامان این زحمت‌کشان رسیدگی بکنند و گرنه با خطراتی بدون چاره‌جویی و سیاست تخریب هیچ مشکلی حل نخواهد شد. حتی بر شدت آن خواهد افزود.
خبرنگاران "رنجبر" گزارشی از وضع کار و زندگی دکه‌داران جمع آوری کرده‌اند که در شماره‌های آینده منتشر خواهد شد.

ببرد کامل مزدور به ثباته نماینده مردم افغانستان ندارد.
دولت جمهوری اسلامی ایران نقش ارزنده و مهمی را در کشورهای غیر متعهد و در جبهه مبارزه بر علیه دوا بر قدرت امپریالیستی آمریکا و روسیه ایفا میکند و در ماه‌های اخیر در دفاع و پشتیبانی از خلق مبارز و مسلمان افغانستان گامهای مؤثری برداشته است. بی جهت نیست که نماینده ویتنام با مشتکی تملق و چاپلوسی می‌خواهد با صطلاح ارادت خویش به انقلاب ایران را نشان دهد، زیرا که مسلم است خام شدن ایران تأثیر مهمی در موضوع گیری سایر کشورهای اسلامی و غیر متعهد خواهد داشت.

ولی ما اعتقاد راسخ داریم که توطئه اخیر سلطه‌گران روسی و ماموریت نماینده ویتنام و نیز با هشیاری و آگاهی دولت و ملت ایران منجر بشکست خواهد شد.
برای آگاهی بیشتر خوانندگان با سیاست‌ها و عملکرد تجاوزگران ویتنام - روسیه در صفحه ۵ این شماره "رنجبر" برخی نمونه‌ها را بر شمرده‌ایم.

بحشدن ... دوستان جوان

نیروی عظیم خویش را بکار اندازیم، بطور سازنده دستها را بالا بزنیم و کمر خدمت به زحمتکشان ببندیم. یکدل و یکجان به روستا برویم و تولیدات کشاورزی را بالا ببریم. باشد که این کوشش نیرومند ما مشتی علیه آمریکا و روسیه و مزدوران داخلی آنها گردد و مردم قهرمان میهن ما به پیووزی عظیم تری دست یابند.

با ماتماس بگیرید: میدانان بهارستان - کوچه نظامیه شماره ۹۱ سازمان جوانان انقلابی - تلفن: ۳۹۲۸۲۵

دولت باید در کردستان ... از صفحه اول

دور نمیشدند، کسانی را که بر اثر برخورد راکت‌ها و خمپاره‌ها زخمی و یا کشته میشوند و هر تکه از بدن آنها در جایی می‌افتد آیا کدام انسان است که قبول کند به آنها کمک نکند و از کنار آنها همچون سنگ رد شود؟ آیا پیر مرد و پیرزنی که از ترس خمپاره به زیر زمین پناه برده و یا بچه‌ای که برای خرید نان بیرون می‌آید هدف خمپاره قرار می‌گیرد ضدانقلاب است تا کمک کردن به آنها عملی ضد انقلابی باشد؟
اگر رساندن مجروح به بیمارستان، مداوای زخمها عملی است ضد انقلابی در این صورت تمام سازمانهای امداد بین المللی و بیمارستانها و اورژانسها ضد انقلاب و ضد خلقند.

تهمت "ضدانقلاب" زدن در سنندج چون آب خوردن است. حتی شرکت در شورای محل همگاری "ضد انقلابی" است. مگر خود دولت قانون شوراها را تصویب نکرده است؟ مگر شخص آیت الله طالقانی صدافع شوراها نبودند؟ در این صورت خود دولت و آیت الله طالقانی هم "ضدانقلاب" بودند؟
این است حاکمیت دولت.

اگر دولت می‌خواهد از راه زور و تهدید و تهمت بوسیله افراد مسلمان نما (پیشمرگان با صطلاح مسلمان کرد) حاکمیت کند اشتباهی خطرناک است و میتوان گفت راهیست به ترکستان. پس از یک ماه ونیم که از ورود ارتش و پاسداران به سنندج میگذرد. آرامش هنوز به شهر باز نگشته است. صدای تیراندازی و خمپاره هر شب مردم را از خواب بیدار میکند و شبها در سنندج نوعی حکومت نظامی برقرار است.

آیا استقرار حاکمیت دولت میتواند خلاف قانون اساسی مستقر گردد؟

اگر دولت در تلاش است که فاصله بین خود و مردم را پر کند بیاید پشتیبانی از این افراد مسلمان نما (پیشمرگان با صطلاح مسلمان کرد) تنها فاصله را پر نکرده بلکه عمیقتر خواهد کرد. این افراد که خود را مجری سیاستهای دولت میدانند، با مردم سنندج کینه شخصی دارند.

توانست به تنهایی بر مشکلات کنونی مدیریت جامعه فائق آید و تنها وحدت و یکپارچگی تحت برنامه اتحاد بزرگ ملی است که میتواند کشور را از بحران کنونی نجات بخشد و در جبهه‌های نبرد اقتصادی - سیاسی و فرهنگی ما را بر دو ابر قدرت و عمال آنان، بر پس مانده‌های رژیم طاغوت و بر همه دشمنان انقلاب اسلامی ایران پیروز گرداند.
وحدت و یکپارچگی: اینست انتظاری که در درجه اول توده مردم از رهبران مملکت دارند.

دولت اگر کارهای گذشته خود درس عبرت نگیرد و به همان کارهای گذشته و حال سنندج و کردستان دست بزند، بعید نیست که بهمین زودی با حاکمیت دولت در شهر خالی از سکنه روبرو شود.
اینهانه تنها بخلق کرد خیانت میکند بلکه در اصل بدولت هم خیانت میکنند و در میان ملت کرد حساب دولت با حساب این افراد به اصطلاح مسلمان جداست. مردم سنندج با پاسداران بصورت بهتری رفتار و برخورد میکنند ولی از این ارادل بشدت متنفر هستند. حال دولت باید برای جبران اینهمه بلا یا و صدمه که به مردم کردستان وارد شده است دست بکار های مطابق خواست مردم بزند. حتماً یکی از خواسته‌های خلق کرد منحل کردن این سازمان به اصطلاح مسلمان و دستگیری مجازات سران مزدور آن است.

دولت در کردستان باید به جوانانی که بعلت شکست در شوراها و گروه‌امدادها برای جلوگیری از دستگیری و اعدام خود اکنون مخفی یا آواره شهرهای دیگر هستند عفو عمومی دهد تا با هم به نوسازی کردستان در راستای اهداف مردم کرد قرار گیرند.

دولت اگر خواهان استقلال ایران است باید در عمل هم ثابت کند. باید با مردم و نمایندگان آنها که خواهان استقلال ایران هستند مذاکره کند و آتش بس را به مرحله اجراء آورد.

تاکی باید فرزندان ایران در خاک و خون در غلطند؟

ادامه جنگ نه تنها به استقرار دولت در کردستان کمک نمیکند بلکه بیشتر سبب جدایی خلق کرد از دولت میشود. وزیمیه را برای نفوذ امپریالیسم در ایران بوجود می‌آورد. و حال قضاوت را به ملت

شریف و خلقهای ستمدیده ایران واگذار نموده به آقای رئیس جمهور پیشنهاد میکنم سفری به کردستان و مخصوصاً سنندج کرده و اعمال این مزدوران را از نزدیک مشاهده کنند تا آنوقت روشن شود که چه کسی ضد انقلاب است و چه کسی خواهان استقلال ایران.

ن - م - یکی از اهالی کردستان

در سازمان چریکها

"حقیقت" (شماره ۷۸) ارگان اتحادیه کمونیستهای ایران ضمن تحلیل علل اشعاب در سازمان چریکهای فدایی، بد رستی معتقد است که: این اشعاب پیرامون اصلی ترین انحراف سازمان فدائیان، یعنی تسلیم در برابر رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی و هواداری از این ابر قدرت امپریالیستی نبوده است. حقیقت اضافه میکند: "ان سازمان هایی که از این اشعاب بعنوان پیروزی جناح مارکسیست - لنینیست (بیکار ۵۸) یاد مینمایند باید توجه کنند که مارکسیسم - لنینیسم لباس گشادی نیست که به تن هر کسی برود.

"حقیقت" ضمن اشاره به عدم شناخت اقلیت از "حزب سوسیال فاشیست حاکم بر شوروی" مینویسد: "اینکه در این اشعاب حرفی هم درباره اصلی ترین انحراف سازمان فدائیان زده نمیشود خود بهترین گواه این مدعاست که طرفین این اشعاب هیچ یک از مواضع درستی برخوردار نمیشاند و هر دو در این زمینه پایشان سخت میلنگد.

در آخر بحران سازمان چریکها را چنین ارزیابی میکند: "این هم خوب است و هم بد. خوب است از این لحاظ که این بحران، ضعف و درماندگی انحراف چپ نمایانسه غالب برجانبش کمونیستی ایران را در پاسخگویی به معضلات... نشان داده... و بد است از این لحاظ که تمایل به خارج شدن از یک انحراف (راست) و در غلطیدن به انحراف دیگر (چپ) وسیعاً موجود است."

درباره همین موضوع "کمیته الوند" (وابسته به سازمان توفان) طی اعلامیه‌ای اینطور اظهار نظر میکند: "هم اکنون جناح اکثریت با ادامه‌مشی رویزیونیستی خود مصرانه مضمناست که نیروهای کمونیست را به همان کجراه سابق که به اعتقاد ما همان راه برادر بزرگتری یعنی حزب توده خائن و مصالحه با هیئت حاکمه و در غلطیدن به دامان سوسیال امپریال- لیسیم است، بکشاند. بنظر ما مقاومت بخش موسوم به اقلیت، از آنجا که ایستادگی در مقابل نظریات انحرافی و راست روانه اکثریت میباشد گامی به جلو تلقی میشود!! اما این تصحیح ببنش و مشی باید تابدانجا پیش رود که حاصل آن نفی کامل رویزیونیسم و دست‌یابی به مارکسیسم لنینیسم خلق باشد.

دیداری از روستای «حصار شالپوش» شهریار

بی آبی، مشکل اصلی خوش نشین ها است

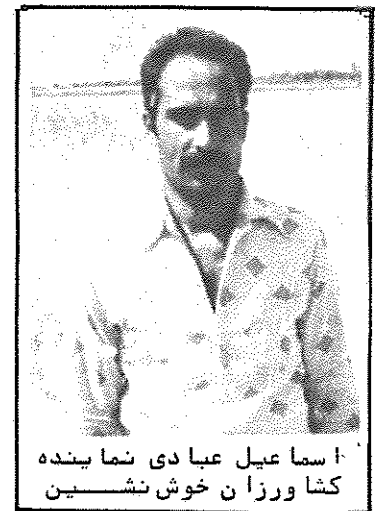
دولت مابقی پول ها را سر میدواند

ولی پولدارها بدون پروانه چاه میزنند

پروانه، اقدام به حفر چاه میکند و در حال حاضر نیز در این منطقه چاه های زیادی حفر شده است. ولی کشاورزان میگویند ما که پول نداریم، گرفتار کاغذبازی و مشکلات اداری میشویم.

اسماعیل آقا در دنباله صحبتها پیش گفت:

"ما ۱۶ هکتار از زمینهای سرهنگ تا جیش را از او بخریم ۳۵ هزار تومان اجاره کردیم که ۱۱ هکتار آنرا گندم و باقی را صیفی کاشته ایم. ما پول زیادی روی زمین خرج میکنیم زحمت زیادی میکشیم، برای دروهکتاری ۱۳۰۰ تومان میپردازیم، هکتاری ۵۰۰ تومان هم برای جمع کردن میدهم، تازه خرج کوبیدن، باد دادن، و... هم دارد. حالا خودتان حساب کنید که با اینهمه زحمت و خرج (که اغلب زیر بار قرض هستیم)، چطور میشود گندم را به نرخ دولتی (۲۰ ریال) فروخت. ما خودمان یک کیسه آرد را که بین ۵۰ تا ۵۵ کیلو وزن دارد، حدود ۳۰۰ تومان میخریم، حالا چطور گندم را به دولت ۲ تومان بفروشیم؟ ما برای همین کشت مختصر، پول زیادی قرض میکنیم و معمولاً مجبور میشویم که محصول را پیش فروش بکنیم."



اسماعیل عبادی نماینده کشاورزان خوش نشین

اینبار بدیدار روستائیان زحمتکش روستای «حصار شالپوش» شهریار رفتیم.

جمعیت این روستا حدود ۲۵۰ نفر (۵۰ خانوار) است که یازده خانوار آن خوش نشین و باقی بین ۴ تا ۵ هکتار زمین دارند. ما لکن عمده در این منطقه، سرلشکر رضا گوهری معاون ساواک منحل و سرهنگ تاجبخش هستند.

وقتی به زمین های این روستا رسیدیم، بسراغ نماینده کشاورزان خوش نشین روستای «حصار شالپوش» آقای اسماعیل عبادی رفتیم و با ایشان و چندتن از کشاورزان

دلایل دستگیری نماینده کارگران «ساکا» را سریعاً روشن کنید

که رهبر ما، امام خمینی فرمودند: خلی از مسئولین شاهنشاهی هستند و همین افراد برای توطئه علیه جمهوری اسلامی و تفرقه در بین مردم چنین وضعی را برای ما پیش آورده اند.

آقای وزیر صنایع میگوید: "از قیافه نماینده شما خوشمان نمیآید". آخر مردم شما قضاوت کنید، وزیریک مملکت با چه دلایلی نماینده ما کارگران را به زندان انداخته و کارخانه را تعطیل کرده است! آیا این کار همانطور که امام گفت از اعمال افراد شاهی نیست؟

در طول این مدت ما چندبار با مقامات به توافق رسیدیم که کارخانه باز شود و ما به کار و تولید بپردازیم ولی هر بار مقامات و بخصوص آقای احمدزاده وزیر صنایع با کارکنی در کار باعث سرگردانی بیش از ۷۰۰ کارگر و تعطیلی کارخانه شدند.

در پایان ما از مقامات جمهوری اسلامی میخواهیم همانطور که امام گفتند اگر شاهنشاهی نیستند، دست از توطئه و خرابکاری علیه ما کارگران بردارند. کارخانه را باز کنند و تمام نمایندگان ما را که اخیراً دو نفر دیگر را هم دستگیر کرده اند آزاد نمایند.

در غیر اینصورت ما کارگران تا باز شدن کارخانه بدون هیچ قید و شرطی و آزادی نمایندگان خودمان حق طبیعی خود میدانیم که دست به هر اقدامی که لازم میدانیم بزنیم و مسئولیت هر نوع حادثهای را بر عهده آن مقاماتی میدانیم که تا امروز در جواب خواست ما کارگران گفتند: ما "تیربارها" را به سوی شما کارگران بر میگردانیم.

مرگ بر شیطان بزرگ آمریکای جهانخوار

درود بر امام خمینی بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران

۵۹/۴/۱۱ کارگران کارخانجات تولیدی ساکا

رونوشت جهت درج به روزنامه های: اطلاعات، کیهان، جمهوری اسلامی، انقلاب اسلامی، بامداد و کلیه جراید کشور.

بیشتر از یکماه از دستگیری نماینده کارگران و سرگردانی نزدیک به ۷۰۰ کارگر کارخانجات ساکا میگذرد. در این مدت علیرغم مقاومت و مبارزه این کارگران برای آزادی نمایندگان خود، هنوز هیچ جواب قانع کننده ای از جانب مسئولین ارگانهای دولتی به آنها داده نشده و نماینده آنان نیز کامکان در زندان است.

در همین مدت با وجود آنکه کارگران بارها و بارها به مقامات مختلف مراجعه کرده اند، ولی بجای رسیدگی به درخواست کارگران، کارخانه را تعطیل کرده اند.

"رنجبر" تا بحال در چند شماره درخواست کارگران ساکا برای آزادی نماینده خود را انعکاس داده و اینک نیز با چاپ اعلامیه این کارگران که در تاریخ ۱۱ تیر ماه انتشار یافته است، بار دیگر همراه با کارگران ساکا خواهان روشن شدن دلایل دستگیری نماینده و رسیدگی هرچه زودتر به وضع کارخانه میباشد.

بنام خدا

برادران و خواهران کارگر، مردم مسلمان تهران

بیش از یکماه از دستگیری نماینده ما کارگران کارخانجات ساکا میگذرد. در این مدت ما کارگران تمام تلاش و کوشش خود را در این جهت قرار دادیم که از طرفی به کار و تولید در کارخانه ادامه دهیم و از سوی دیگر برای آزادی نماینده خودمان که بدون هیچ دلیلی دستگیر و زندانی شده است به مذاکره با مقامات کشور از آقای قدوسی دادستان انقلاب گرفته تا آقای بنی صدر رئیس جمهور پرداختیم. متأسفانه مقامات مسئول به جای رسیدگی به خواستهای برحق ما کارگران به تعطیل کارخانه اقدام کردند. در این موقعیت حساس که کشور ما در محاصره اقتصادی شیطان بزرگ امپریالیسم خونخوار آمریکا میباشد، دستهایی در کار است تا در میان مردم تفرقه بیندازد و همانطور



اخبار کوتاه کارگری و دهقانی

روستای داشبلاغ میانه

روستائیان از ناامنی و درگیری به ستوه آمده اند

اهالی ظهار میدارند که مسئولین نتوانسته اند کاری برای شان بکنند و خود نیز خسته شده اند. هیچ امنیتی وجود ندارد بطوریکه اهالی نمی توانند فصل برداشت محصول به کار مشغول شوند آنها میگویند: "مسئولین موظفند هرچه زودتر به اختلافات و ناامنی های موجود خاتمه دهند و عوامل این درگیری ها را شناسایی و دستگیر کنند تا به محصولات کشاورزی روستا بیش از این صدمه وارد نیاید که در این برهه از زمان به زیان انقلاب است."

روستای "داشبلاغ" در ۳۰ کیلومتری شمال غربی میانه واقع است و یکی از روستاهای بخش ترکمان "درنا حیه" اوج تپه میباشد. جمعیت آن حدود ۹۰ خانوار است و اهالی عمدتاً از طریق کشاورزی و دامپروری و دامداری و کارگری فصلی امرار معاش می کنند. حدود یکسال پیش اهالی بر اثر اختلافات قبیله ای به دودسته متخاصم و تعدادی بیطرف تقسیم شده اند. در روزهای اخیر این درگیری ها شدت یافته بطوریکه تعدادی مجروح شده اند که فعلاً در بیمارستان میانه بستری اند.

خواستهای مردم محروم و تنگ خوار

دیجر در ۱۰۰ بین روستا و مشکلات فعلی روستا تیان به گفتگو نشستیم که در زیر میخوانید.

از سما عیل عبادی نماینده کشا ورزان خوش نشین خواستیم که مختصری از وضع روستای خود بگویند. او چنین گفت: "بعد از مدت‌ها دوندگی با لایحه بودجه آب لوله‌کشی اینجا تا مین شد. البته این بودجه را ما و دولت مشترکاً تأمین کردیم و حالا قرار است آب لوله‌کشی بکشند. حمام داریم و آنهم با کمک ما و دولت ساخته شد. یکی از مشکلات ما نداشتن برق است. با آنکه برق منطقه‌ای از ۲ کیلومتری ده ما میگذرد، ولی ما برق نداریم. وضع جاده هم چندان رضایت بخش نیست و ۶ کیلومتر آن تا سر جاده خاکی است. در ضمن مدرسه روستا هم تا کلاس چهارم ابتدائی داشته است."

آقای اسما عیل عبادی در مورد مشکلات کشا ورزی در این منطقه گفت:

"در حال حاضر بزرگترین مشکل ما، کمبود آب است و از این بابت بسختی در عذاب هستیم. از تاریخ ۲۵ دیماه سال ۵۸، صدهکتا از زمین‌های قریه پیوند راکه مالک آن دکتر رضا نور بود، در اختیار ما گذاشتند. ۱۴ هکتار آنرا چو کاشتی و ولی متاسفانه چون آب نداشتیم، تمام زحمت ما از بین رفت و با آنکه ۱۵ هزار تومان هم خرج آن کرده بودیم، هیچ نتیجه‌ای نگرفتیم."

در این منطقه بعلت کم آبی، عده‌ای چاه میزنند. ما چون به اب احتیاج داشتیم برای اجازه حفر چاه به مسئولین دولتی مراجعه کردیم، ولی مدتها ما را سرد و آوندند و آنقدر که غذا بزی کردند که نماز بلب رسید و آخر هم گفتند که در منطقه شهریا رنمیشود چاه زد چون منطقه ممنوعه است. ما کشا ورز هستیم و آنقدر کار گرفتاری داریم که نمیتوانیم همیشه اینجا و آنجا برویم، باید کاشی کشا ورزی بیا بیدو ببیند که آیا میشود اینجا چاه زد یا نه؟! البته هرکس که پول و امکانات داشته باشد بدون

بسیار هم خوش نشین هستند، صحبت کردیم. یکی از این زحمتکشان میگفت: "تفاضی ما اینست که می‌آجا زه حفر چاه بدهند. اگر این اجاره را بدهند، ما میتوانیم از جها دو بانک تعاونی کشا ورزی وام بگیریم و چاه بزنیم. اگر آب داشته باشیم میتوانیم کشت پائیزه بکنیم و گندم بکاریم. بمانگفته اند که تا سه سال روی این صدهکتا زمین (زمینهای رضا نور) کشت کنید، ولی بدون آب چگونه کشت کنیم؟" کشا ورز جوانی که با دیگران همکاری میکرد گفت: "من قبلاً در کرج کار میکردم، اسما عیل هم در تهران کار میکرد، بعد از انقلاب به ده خودمان برگشته ایم تا کشا ورزی کنیم. ولی اگر آب نیا شد و نشود کاری کرد، مجبوریم به کار سابق خودمان برگردیم، آخر کشا ورزی که بدون آب نمیشود. در اینجا پدر پیر و زحمتکش اسما عیل عبادی گفت: بقول معروف "جویی که آب نداره قورباغه لازم نداره یعنی اینکجه زمین بی آب راکه نمیشود کاری کرد، زمینی که آب ندارد چطور میشود روی آن کشا ورزی کنیم؟"

در پایان گفتگوها میان با این کشا ورزان زحمتکش، یکی از آنان بمانگفت: اگر به دهقانان زمین میدهند باید با آب و وسائل لازم کشاورزی همراه باشد، تا ما بکاریم و به کشورهای خارجی، به اببر قدرتها آمریکا و شوروی محتاج نباشیم. ما بیگانگان را بیرون کردیم و نمیگذاریم دیگر برگردند. بنا بر این باید به وضع ما کشا ورزان هم جدا رسیدگی کنند. وقتی که در راه بطرف شهر می‌مدیم، حرفها با سما عیل عبادی و کشا ورزان دیگر در گوشمان زنگ میزند که این خاکها، تشنه آب هستند و اگر آب داشتیم کشت پائیزه میکردیم و کشا ورزی رونق میگرفت."

آقای "تبا درنجیر" طی نامه‌ای به روزنامه "خبر" فارس وضع روستای خود و خواستهای اهالی را بگونه مطرح ساخته است: روستای "تنگ خاص" تقریباً ۲۵/۰۰۰ نفر جمعیت دارد. از جاده، بهداشت و سایر امکانات خبری نیست. تا کنون هیچ پزشک به این روستا پا نگذاشته، بیماری‌های واگیر مانند سل، آبله، ما لاریا و آنفلوآنزا بیداد می‌کند. اکثر زنان سرزاد از بین میروند. در روستا از دامپزشکی خبری نیست و دامها مرتباً تلف میشوند. هنوز هم در جمهوری اسلامی، اهالی برای گرفتن

مصاحبه با کارگر مبارز نساجی قائم شهر

بدنبال درج مقاله "به پدمبارزه خونین کارگران قهرمان نساجی قائم شهر" در رنجبر شماره ۷۳ (یکشنبه ۱۵ تیر) مصاحبه‌ای که خبرنگار رنجبر با یکی دیگر از کارگران زحمتکش نساجی قائم شهر انجام داده است، بدست ما رسید که طی آن وقایع مربوط به مبارزه کارگران قائم شهر بر علیه رژیم منحوس گذشته از زبان این کارگر مبارز شرح داده شده است.

پروزی کارگران کارخانه آپادانا

در پی دستگیری نماینده گان کارگران کارخانه آپادانا که اعلامیه‌ای هم‌مبنی بردفاع از این نمایندگان و درخواست آزادی آنان از طرف هواداران حزب رنجبران ایران (تهران) در شماره ۷۴ بچاپ رسید، خبر یافتیم

تعطیل بعد از ظهر پنجشنبه‌ها

تهران - سندیکای کارگران کتابفروشی و انبارهای مربوطه، طی اعلامیه‌ای تعطیلی بعد از ظهر پنجشنبه‌ها را توافق اکثر ناشران، از تاریخ ۲۲/۳/۵۹ تا ۱۵/۶/۵۹ اعلام داشته است. بدنبال موافقتی که

شنا سنامه ویا وام‌باید رشوه دهند. مسئولین شرکت تعاونی هم بجای رسیدگی به مردم فکر تکمیل احتیاجات خود و بستگان نشان هستند. اهالی این روستا خواهان آنند که: ۱- مقامات مسئول برای بازدید به روستاهای دور دست منطقه مانند "تنگ خاص" و "تنگ الله" مسافرت کنند و مشکلات رفاهی و بهداشتی محل را حل کنند. ۲- طاغوت‌های کوچک و رشوه‌خوار را دستگیر کنند تا مردم این منطقه نفس راحتی بکشند.

که در اعصاب نساجی قائم شهر شرکت داشت و طی آن حتی به زندان افتاده و شکنجه شد، در باره مبارزه خود و دیگر کارگران قهرمان این کارخانه صحبت کرده است که میدوایم در موقعیت دیگری از این مصاحبه استفاده نمایم. در پایان این مصاحبه، یادآوری شده است که در مقاله مندرج در شماره ۷۳، نام شهید پرویز متونی اشتباهاً "مستوفی" چاپ شده است که با این وسیله با پوشش فراوان تصحیح میشود

که این نمایندگان آزاد گردیدند. آزادی این نمایندگان که با پیگیری و مبارزه کارگران کارخانه آپادانا حاصل گردید، پیروزی کارگران این کارخانه بود و ما آنرا به آنان تبریک گفته و پیروزیهای بزرگتری را برایشان آرزو میکنیم.

بین هیئت مدیره سندیکای شورای ناشران صورت گرفت، چنانچه کارگران بخواهند با رضایت خود بعد از ظهر پنجشنبه‌ها را کار کنند، باید معادل ساعات کارکرد خود اضافه کار دریافت دارند.

در جلسه سندیکای کارگران خباز آبادان

کارگران، نگذارید عده‌ای سود جو زندگی شمارا منهدم کنند

کارگران بعلت ورود ماشین به این حرفه اعتراض کردند و گفت: "کارفرمایان با استفاده از اوضاع متشنج مملکت، با وارد کردن دستگاه بجای تنور، کارگران را بیکار میکنند. آنهم در این اوضاع و احوال که دیپلمه‌های مملکت از بیکاری در کنایه با نهار هر کدام کیوسکی زده اند و به فروش روزنامه، نوشابه و سیگار انواع کارهای سطحی خود را سرگرم کرده‌اند. آن وقت امروز که با بدوضع شما کارگران که سالیان رنج و زحمت کشیده‌اید راحت‌تر شود، شغل شما بدست عده‌ای سودجو و وانحصاً رطل فلج شده است. ما کار دیگری بلد نیستیم. هیچ فکرش را کرده‌اید کسی که ۳۵ سال در این شغل کار کرده است اگر کارش را از دست بدهد چه میشود؟" این کارگر سپس مقامات را مورد سؤال قرار داد و پرسید:

"آیا مقامات مملکت فکر نمیکنند اگر بطور صحیح از این صنعت بهره‌برداری شود نه تنها سودی برای مملکت نخواهد داشت بلکه فاجعه‌آمیز خواهد بود؟ عده‌ای زیاد بیکار خواهند شد و این وضع نه‌بمنفع. انقلاب است و نه زحمتکشان. پس ما از مسئولین مملکت صراحتاً میخواهیم که از بیکاری کارگران این شغل جلوگیری کنند. شما کارگران هم از خواب بیدار شوید و نگذارید عده‌ای سود جو زندگی شمارا منهدم کنند."

روز جمعه ۶ تیر ما یکی از کارگران خباز در جلسه سندیکای مسایل و مشکلات کارگران خباز را مطرح کرد. وی ضمن برخورد به مساله عدم حساسیت کارگران نسبت به شکل مبارزه و نیز سهیل انگاری مسئولین، نامه‌ای را خطاب به آنها قرائت کرد که در زیر بخشهایی از آنرا میخوانید: "کارگران زحمتکش، شما چرا اینقدر بیخواب عمیق فرو رفته‌اید و بیدار نمیشوید؟ این از سستی شماست که همیشه مقامات خواستهای شما و خود شما را هیچ میپندارند. از این رهگذر کارفرمایان هم بهره‌برداری میکنند و حق مسلم شما را پایمال کرده و میکنند. مثلاً شما هیچوقت به حق قانونی خود که از طریق وزارت کار ابلاغ شده نرسیده‌اید. آیا تاکنون به این فکر افتاده‌اید که ۸ ساعت کار را که قانوناً سیرحاً گفته‌اند بپایده کنیم؟ این گویای چه چیزی است غیر از سستی ما کارگران که نه بصورت فردی و نه جمعی قاطعیت نداشته‌ایم؟ اگر چیزی از حق مسلم خودمان را هم گرفته‌ایم مدتهاست که زیاد طول کشیده و بنا را حتی های فراوانی دیده‌ایم. تازه آنرا هم بطور ناقص گرفته‌ایم چرا ما که میتوانیم، خود از طریق سندیکای این حق‌ها را به مورد اجرا بگذاریم با زهم منتظریم که دستور از ادارای به ما برسد."

وی در ادامه سخنان خود نسبت به بیکار شدن عده‌ای از

مبانی اتحاد میان سوسیالیسم انقلابی و اسلام مبارز

خوانندگان از «رنجبر» سؤال میکنند

«رنجبر» نامه‌های متعددی دریافت کرده‌است که در آنها خوانندگان ما از مبارزه مواضع حزب در مسائل مختلف جویا شده‌اند. خوانندگان ما همچنین از طریق تماس تلفنی نیز سئوالات مختلفی مطرح کرده‌اند. کثرت و اهمیت این سئوالات ما را بر آن داشت که ستونی نسبتا وسیع به پاسخ پداین سئوالات اختصاص دهیم که تاکنون متأسفانه بدلیل محدودیت صفحات «رنجبر» به این مهم موفق نشده‌ایم. لکن از سوی دیگر، از آنجا که خوانندگان سؤال کننده مصرا وطی تماس‌های نامهای و تلفنی پاسخ به سئوالات خود را خواستار شده‌اند، ضروری دانستیم که در حد امکانات خود هر چند شماره یکبار به این سئوالات به اختصار جواب دهیم. نامه‌های که در زیر می‌آید (از آقای م. تار. الف - تهران) و پاسخ ما به سئوالات ایشان کوششی است در این زمینه.

انقلاب می‌گشتند، که دولت را ضعیف کنند. رهبری راضی نیستند و سرانجام گمراهی و باز خفقان و دیکتاتوری و بازگشت به حالت اولیه (دوره پهلوی).

آری این گروهها (خصوصا مجاهدین خلق چریکهای فدایی و نیز حزب توده) از خون شهیدان سازمانهای وابسته سوء استفاده مادی و معنوی میکنند و با کوچکترین برخوردی هریک، سینه شهید مجاهد و رفیق مبارزی را سپر قرار داده و با این سفسطه‌ها در زیر عنوان برطمطراق می‌خواهند همه چیز را بسمت خود جلوه دهند. باید گفت زهی بيشرمی خلق رنجبر ما بخوبی آگاهند و عناصر فرصت طلب و انحصارگرا از جامعه طرد خواهند نمود. چقدر بی شرمانه که از خون پاک شهیدان برای بثمر رساندن آرمانی که سراپا دروغ و کذب است استفاده نمایند. به تمام مقدسات سوگند که خیانت است. خیانت به‌لوی مکتبی که حامی مستضعفین است. خیانت به مکتبی که نوید بخش آرزوهای رنجبران محروم از هستی و نیستی است. مرگ برکسانی که در زیر پوشش یک مکتب واقعی خود را حاکمی آن میدانند.

برابروبرادرییم. چون آید ثلوثی شما در اصل مارکسیسم-لنینیسم است ولی موضع گیری شما در مقابل انقلاب و خط ضد امپریالیستی رهبری امام با دیگر گروههای باصطلاح مارکسیست فرقی بسزادارد. میتوان فهمید و درک نمود حقیقت را که خواهان استقلال و آزادی ایران عزیزمان هستید. حمایت یک هوادار حقیر از شما بر مبنی همین اصل نهفته است. چون خداوند انسان را آزاد آفرید و خود نیز باید حقیقت انسان بودن را پیدا کند. پدر طالقانی میگفت: ما در نفعی استثمار-استبداد و استثماربا مارکسیست‌ها هم عقیده‌ایم ما به اصالت خدماتتقدیم، آنها به اصالت ماده (...).

علی (ع) میگوید: کاشی را ندیدیم که برپاشود مگر اینکه خون مظلومی ریخته باشد. درجای دیگری میفرماید: هر جا دیدی سرمایه‌ای اندوخته شده بسزدان حق مظلوم و مستضعفی پایمال گردیده. آری اسلام ریشه عمیقی دارد. یعنی اسلام برای همه هست مامیگوئیم سوسیالیسم یک حقیقت است. حقیقتی که عملکرد دارد. چیزی که سوسیالیسم میگوید (جامعه بی طبقه) همان چیزی میباشد که اسلام، صد راستین و دنباله روی آن بدان توجه میکنند.

مدت زمانی بود که دنبال کسی یا گروهی بودم که فکر عقیده‌های داشته‌باشد که زمینه حاکمیت ملی ما را برانگیزد. همیشه فکر میکردم که چرا پس از پیروزی انقلاب گروههای سیاسی در مقابل (هم) موضع گیری میکنند. یکی دم از اسلام واقعی می‌زند و دیگری دم از مارکسیست میزند. وحدت و یکپارچگی را کنار گذاشتند. ایمان به خلق را ناچیز گرفتند. و همس دنبال بهانه و بانه ضعیفی از گردانندگان

سلام و درود فراوان حقیری تنها و دستداری پایدار را پذیرا باشید. امید است در این مسیر لاینفک که جدیست شما را به حد اعلا رسانده (شعارنه شرقی، نه غربی) پیوسته موفق بوده و با از بین بردن رشد فساد دزدی استثمار، استبداد که از با قدرتهای جهان خصوصا آمریکا جهانخوار و شوروی اشغالگر به ملت مبارز ایران و سراسر جهان سوم تحمیل میشود خنثی نموده و کماکان در مسیر شعار همیشه پیروز و جاودان نه‌شرفی، نه غربی که از سه عامل جهت‌زاد اسلام مبارز و مترقی سوسیالیسم واقعی و حکومت دمکراتیک و ملی‌گرا، الهام میگیرد باشید (...).

آری انقلابی بودن یک فرد که در غالب گروه یا سازمان، حزب و یا جبهه ای فعالیت مینماید مسلما و به طور دقیق (با) عملکرد آنها بعد از پیروزی هر انقلابی مشخص میشود. اینجاست که راستگرایی و چپ‌گرایی هر دو محکومند و خط صراط مستقیم پیشرو انقلاب است. دیگر فرقی ندارد که ما روی این خط مکتب را قید نمائیم. باید بعد جامعه و ملت انقلابی را مشاهده نمود گرایشات و تمایلات مکتبی و خلقی یک ملت انقلابی و خصوصا رهبری انقلاب را مدنظر داشت (...).

با توجه به ایده قبلی خودم (یعنی قبل از شناخت اصول و آید ثلوثی و خط مشی حزب) خود نیز همیشه خواستار وحدت بودم. برای من یک جامعه انقلابی فرقی ندارد. چه اسلامی، چه دمکراتیک و ملی و هیچک جامعه سوسیالیسم واقعی هرگز تعصب نداشتیم و نخواهیم داشت. لذا چون خودم مسلمانم و ایمانم به خدا و خلق خدا و صد راستین اسلام مرا در صدر واقعی توحید قرار داده و همانطور که خداوند بشر را یکسان دانسته ما نیز باید چنین باشیم. لیکن همه با هم

آن در ارتش و سپاه دیگر ارگانهای دولتی بر خلق محروم کرد ما روا داشتند و هنوز که هنوزه ادامه داره. چگونه میتوانیم به عملکردها و موضع گیریهای این گروه‌ها سازمانها صحه بگذاریم. این دیگر نهایت بيشرمی میباشد.

بعضی مواقع که با تنی چند از هواداران سازمان مجاهدین و یا حزب توده و فدایی‌ها بحث و گفتگو میکنیم (آنها) با تکیه بر اینکه من یک سوسیالیسم واقعی را قبول دارم (میگویند خوب برادر خوب تو که میگوئی حزب شما خودت در خط امام هستی، حال اینکه امام ضد کمونیست است. با این برخوردها می‌خواهند بهر طریقی که شده به من بقبولانند که بله امام یک کمونیست واقعی را قبول ندارد.

نمیدانم اینها از روی معده بر حرف میزنند. گفتیم مصاحبه اوریا تا فالاجی با امام را دقیقا مطالعه نکردید که آن خبرنگار با تمام ذکاوت و زرنگی خاصی که داشت نمیخواست هر طوری که شده از زبان امام بشنود و تائید بگیرد که کمونیست یک عنصر مطرود میباشد. لیکن امام خمینی کبیر (...). در انتهای گفت آگر اینها کمونیست‌های واقعی هستند چرا خود را فدای خلق نمیکنند؟ و نیز در پیام نوروزی خود پس از کوبیدن کمونیستهای بی منطق (رهبری غاصب چریکها و مکشهای هرزه توده‌ای) پشتیبانی کامل خود را از تمام جوامع انقلابی اعلام نمود (...).

آری آنها از هر گاهی کوهی میسازند و بخورد هواداران خود میدهند. و این است اطاعت کورکورانه که انقلابی بزرگمان خسرو روزبه به آن اشاره نمود. همانطور که امامان میفرماید: غرب جنایتکار با شرق تجاوزگر هیچ فرقی ندارد، هر دو ظالم‌اند و مظلومان می‌جنگیم با جنگ و دندان تاحصول پیروزی. آری ما این امید را داریم که پیروزی نهایی

را حس خواهیم کرد (...). درختان نامه خود دوست ما چند سئوال طرح کرده‌است با مضمون زیر:

۱- یکی از اعتقادات مارکس بر این اصل استوار بود که با مذهب مبارزه شود و رسوب افکار مذهبی در اذهان از بین برود - و در این مورد توضیح خواسته شده‌است.

۲- چگونه و طبق چه اساسنامه و عملکردی استالین را یک سوسیالیسم واقعی میدانید؟

۳- حزب شاتنام عیار از دولت انقلابی پشتیبانی میکند و دیدیم که چگونه از کاندیداهای واقعا اسلامی نظیر مجاهد آیت الله لاهوتی و امثالهم پشتیبانی کردید ... چرا شما از شیخ عزالدین حسینی تمجید میکنید؟

۴- حزب شما وابستگی را در چه سطحی میبیند؟

* هر کسی که شعار نه شرقی نه غربی را در مدنظر داشته باشد، شما از پشتیبانی میکنند (اما) کومله یک تضاد اصلی با حزب شما دارد که اوضاع دولت مردمی است ولی شما موافق دولت و خط رهبری و پیرو شعار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی... در این مورد توضیح خواسته شده‌است.

۵- آیا تا این زمان به این نتیجه رسیده‌اید که روزی فرا میرسد که یک مسلمان واقعی در کادر رهبری حزب باشد بدون هیچگونه تضادی؟ درختان ما امیدوارم آنطوریکه هستید باشید.

نه آمریکا نه روسیه، زنده باد ایرانی آزاد و متکی بخود زیر لگوی استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی با الهام از اسلام مبارز و مترقی و سوسیالیسم واقعی یا حکومت ملی و دمکراتیک.

درود به حزب رنجبران ایران

۵۹/۲/۲۸

م- تار الف

صادقانه کار حزبی را انجام داده و با برنامه حزب مخالفت ننماید - ما میتوانیم وی را به درون صفوف خود بپذیریم، زیرا تضاد ما بین روح و اصول برنامه ما و اعتقادات مذهبی

معنا، ما از اسلام مبارز نه بعنوان یک جریان صرفا فکری و آید ثلوثیک بلکه بمنزله یک جریان سیاسی بیانگر حرکت تاریخی اقشار معینی از جامعه صحبت می‌کنیم. این چنین

در شرق و غرب، از جمله جنبش لوتر و قیام توماس نورتنس در آلمان و جنبش کالوین در فرانسه و جنبشهای مختلف اسلامی ایران، نمونه بارز آن هستند. با هم اسباب است که

نه مارکسیست است و نه مسلمان، و چه بسا ضد هر دو است. پس، موضع مارکس نسبت به مذهب از این دیدگاه است و هم از این دیدگاه است که مسلمانان به ما، کسی حمله میکنند.

پاسخ ما

مناسبات میان مارکسیسم و اسلام مبارز از دودیدگاه قابل طرح است: ایدئولوژی و سیاسی. به همان میزان که میان دوایدئولوژی وحدت ممکن نیست میان دو حرکت سیاسی میان دو جریان تاریخی جامعه ما، وحدت در مبارزه ضد امپریالیستی ممکن و ضروری است.

مارکسیسم و مذهب

زیر این عنوان صفحات زیادی به رشته تحریر درآمده و کتابهای متعددی نوشته شده است. معمولا در جواب این سوال که موضع مارکسیسم نسبت به مذهب چیست، بلافاصله این گفته معروف مارکس به یاد میاید که: "مذهب افیون تودهها است." متفکرین انقلاب اسلامی ایران معمولا با استناد به این گفته و مقایسه آن با نقش اسلام مبارز در انقلاب اسلامی ایران، بطلان این ادعای مارکسیسم را نتیجه گیری میکنند. این نتیجه گیری عجولانه و یکجانبه بوده و ابعاد مختلف نظریات مارکسیستها را در مورد مذهب در نظر نمیگیرد. مارکسیسم به این مسأله از دو دیدگاه می نگرد بازدیدگاه ایدئولوژیک و از دیدگاه سیاسی. تا آنجا که به ایدئولوژی مربوط میشود، طبیعی است که میان مارکسیسم و مثلا اسلام اختلافی اصولی و ریشه‌ای موجود است. مارکسیست ها و مسلمانان هر دو به این موضوع اذعان دارند که در اینجا بحث بر سر دو مکتب متفاوت مبتنی بر دو بینش متفاوت و متضاد است: یکی بینشی که به اصالت ماده معتقد است و ماتریالیست است و دیگری بینشی که به اصالت روح معتقد است و ایده‌لیست است. میان این دو ایدئولوژی "تلفیق" نمیتوان صورت داد، و همانطور که میدانیم، کوشش هایی که برای "تلفیق" صورت گرفته یا بی‌ثمر مانده است و یا به انحرافات زیانبار و حتی خطرناک هم برای اسلام و هم برای مارکسیسم منجر شده است و باعث گردیده که التقاط فکری بوجود آید و فرد التقاطی نیز معمولا

ان را مردود می شمارند. این جدل متقابل ایدئولوژیک و نفی متقابل مکتبی نه تنها منفي نیست، بلکه کاملا طبیعی و برای سلامت هر دو مکتب (اسلام و مارکسیسم) و جلوگیری از التقاط آنها ضروری است، به شرطی که مانع وحدت ضد امپریالیستی نگردد. در این ارتباط لازم به تذکر است که باید به شرایط تاریخی و اوضاع احوال مشخص اجتماعی که در آن سخن معروف مارکس گفته شده

انحصار در رابطه با اسلام میجوید: "تحولی را که محمد پدید آورد انقلاب اسلامی بود" (همانجا ص ۲۲) و نیز در زمان لنین درکنگره پنجم حزب کمونیست ترکمنستان از یک بخش مترقی در داخل جامعه علماء مذهبی صحبت میشود. انقلاب اسلامی ما نیز نمونه بارز و حتی بارزترین نمونه‌ای است که میتوان در این خصوص در قرن اخیر ذکر کرد. البته در کشورهای مختلف اروپایی و بخصوص در آمریکای جنوبی

اتحاد فشرده مسلمانان و غیر مسلمانان برای ایجاد آسیای آزاد "از شنیدن این خبر خوشحالم که اصول اعلام شده جمهوری کارگران و دهقانان ما مبنی بر حق تعیین سرنوشت و رهایی خلقهای ستمدیده از استثمار سرمایه‌داران خارجی و داخلی نزد هندبهای آگاه، که برای آزادی خود قهرمانانه می جنگند، این چنین انعکاس بزرگی یافته است. توده‌های رنجبر روسی با بدل توجه عظیمی بیداری کارگران و دهقانان هندی را تعقیب میکنند. ضامن کامیابی نهایی تشکل و انضباط رنجبران، استقامت و همبستگی آنان با تمام رنجبران عالم است. ما اتحاد فشرده بین مسلمانان و غیر مسلمانان را تهنیت می گوئیم. ما صادقانه آرزومند بسط این اتحاد بین تمام رنجبران خاوریم. تنها آنگاه که کارگران و دهقانان هندی، چینی، کردهای، ژاپنی، ایرانی و ترک دست اتحاد بهم داده و متحداً به انجام امر مشترک رهایی کمر همت ببندند، تنها آن زمان پیروزی قطعی بر استثمارگران محرز خواهد بود. زنده باد آسیای آزاد!" (لنین: "به اتحادیه انقلابی هندوستان"، پراودا شماره ۱۰۸، ۲ مه ۱۹۲۰).

توجه نمود. و آن شرایطی است که مسیحیت ارتجاعی، با تکیه بر کلیسا و پاپ، بدترین نوع ارتجاع و استبداد را علیه کلیه عناصر مترقی (از دمکرات گرفته تا سوسیالیست) آن زمان اروپا، و علیه توده‌ها اعمال میداشتند. در شرایطی که همراه با تشدید تضادهای جامعه سرمایه‌داری پرولتاریا (طبقه کارگر) و توده‌های ستمکش دهقانی و خرده بورژوازی به خیزش های هرچه بزرگتری برای رهایی خود اقدام میکردند، سرمایه داری و فئودالیته با تکیه بر کلیسا، توده‌ها را دعوت به تسلیم و رضاد برابر سرنوشت خویش، یعنی در برابر ستمکاران، و تمکین به وضع موجود دعوت میکردند و از مذهب بمتابه "افیون توده‌ها" استفاده می کردند. همین نقش را کلیسا در سراسر قرون وسطی چنانچه میدانیم تماما ایفا نمود. لکن، از سوی دیگر، از دیدگاه سیاسی، مذاهب مختلف در طول تاریخ و در دوره‌هایی نقش پرچم رزم توده‌ها را علیه ستمکاران زمان بازی کرده‌اند. همانطور که مارکس خاطر نشان ساخته است: "جنبش های بزرگ تاریخ گاه رنگ مذهبی بخود می گیرد. (کلیات آثار مارکس و انگلس، جلد ۲۸ آلمانی ص ۲۱) جنبش ها و قیام های متعدد تاریخی

بزرگ تاریخی جامعه ما یعنی اسلام مبارز، ملی‌گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی، علیرغم اختلاف ایدئولوژیک و مکتبی اصولی خود، میتوانند در مبارزه سیاسی برای پیشبرد انقلاب، برای تحقق سه اصل خلق (استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی)، برای تحقق شعار اساسی "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی"، علیه دشمنان رنگارنگ انقلاب که در رأس همه آنها دو ابرقدرت جهانخوار آمریکا و روسیه قرار دارند، متحد شوند.

بنا بر این، بطور خلاصه، از دیدگاه مارکسیسم، مذهب در دو وجه مطرح می گردد: بمتابه ایدئولوژی مبتنی بر ایده‌آلیسم که طبیعتا نمیتواند با مارکسیسم سازگاری داشته باشد، و بمتابه تئوری اجتماعی - سیاسی که در دوره هایی از تاریخ بیانگر حرکت تاریخی مترقی و انقلابی اقشار و طبقات معینی از جامعه می گردد. اقشار و طبقاتی که در چارچوب جبهه واحد خلقی و یا ملی برای هدف واحدی تشریک مساعی کرده و یا حتی متحد میشوند. به همان میزان که میان دو ایدئولوژی وحدت ممکن نیست، میان دو حرکت سیاسی وحدت در مبارزه ضد امپریالیستی ممکن و حتی ضروری است در خاتمه این بحث، خوبست که به سوال شما در مورد امکان شرکت یک مسلمان در یک حزب کمونیست نیز به اختصار پاسخ دهیم. در این مورد، مارکسیسم پاسخ مثبت یا منفی را مشروط می سازد. لنین، در جواب این سوال که آیا یک کشیش مسیحی میتواند عضو حزب سوسیال دمکراتیک کارگری روسیه شود میگوید: "اگر کشیشی برای تشریک مساعی در کارمان به ما رجوع کند - اگر وی

بماتمی وضعیتی که در آن وی در تضاد با خود عمل مینماید که فقط به خود او مربوط است، تلقی گردد. لنین اضافه میکند که "جنبش موردی استثنا" نادری خواهد بود. در همین رابطه در مورد کارگران چنین میگوید: "ما نه فقط باید تمام آن کارگرانی را که هنوز به خدا معتقدند به حزب سوسیال دمکراتیک راه بدهیم بلکه باید فعالیت خود را برای بسیج آنان دو چندان نماییم. ما مطلقا مخالف کوچکترین توهین به اعتقادات مذهبی این کارگران هستیم. ما آنان را بسیج می کنیم تا آنها را بر مبنای روح برنامه خود تعلیم دهیم و نه برای اینکه مبارزه فعالی را علیه مذهب به پیش ببریم (لنین: "سوسیالیسم و مذهب"). بنا بر این، تحت شرایط کاملا مشخصی، پیوستن مسلمانان مبارز به حزب کمونیست عملی است. در مورد شرکت در رهبری، این مسأله‌ای است که به تشخیص و تصمیم جمعی اعضا و عالیترین مرجع حزبی یعنی کنگره آن مربوط میشود. لکن، ما نیز مانند لنین فکر می کنیم که این امر، استثنا نادری است. اتحاد میان کمونیستها و مسلمانان مبارز اساسا در چارچوب اتحاد بزرگ ملی، یعنی بر بستر مبارزه ضد امپریالیستی علیه دو ابر قدرت میتواند صورت تحقق بخود بگیرد. برای تحقق چنین هدفی، مسلمانان مبارز همچنانکه کمونیستهای استقلال طلب، هنوز باید سعی و کوشش فراوان به خرج دهند. امیدواریم در زمینه اول، به سوالات شما تا حدودی پاسخ داده باشیم.

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

بانک ملی ایران
گمکهای خود را
به حساب بانکی زیروارز نمائید: تهران - شعبه خیابان ابرانشهر
شماره حساب ۴۵۳۶۸

رفعی

ارگان حزب رنجبران ایران
صاحب امتیاز و سردبیر: فرامرز وزیری
مدیر مسئول: علی حجت

نشانی: خیابان انقلاب جنب سینما روپال
خیابان راهبر کوجه آراسته شماره ۱۷
دفاتن پستی: تهران - صندوق پستی ۳۱۴-۱۴۰۱
مخلفه پستی ۱۵
تلفن ۸۲۰۶۹۱

رویدادهای جهان



ویتنام به کجای رود؟

بخشهایی از یک مقاله در مورد ویتنام کنونی - مندرج در روزنامه دیدنی (ترکیه)

ویتنام یکی از فقیرترین کشورهای جهان است. مساحت زمینهای قابل کشت در ویتنام به ۵ میلیون هکتار میرسد. این رقم با در نظر گرفتن جمعیت ویتنام گویای این است که یک هکتار از این اراضی باید معاش ۱۰ نفر را تامین کند. ویتنام خصوصا در این سه سال اخیر از لحاظ محصولات کشاورزی و راندمان زراعی در وضع فلاکت باری بسر برده است. طبق آمار منتشره ویتنام در سال ۱۳۵۵، ۱/۶ میلیون تن برنج و در سال ۱۳۵۶، ۲ میلیون تن و در سال ۱۳۵۷، ۴/۵ میلیون تن برنج از کشورهای خارج وارد کرده است. قیمت برنج در بازار سیاه ۲۰ برابر قیمت دولتی است و در نتیجه کشاورزان از فروش برنج خود به دولت خودداری میکنند. طبق برنامه‌های تثبیت شده تولید برنج برنامه‌ریزی شده در دهه اول ۱۳۵۶ در مناطق مختلف نهنها انجام نگرفت بلکه در شمال ۹۱٪ و در جنوب ۳۳٪ و در منطقه کولونگ فقط ۹٪ مقدار مقرر برنج بدست آمده است. از طرف دیگر با اینکه ۴ سال از پیروزی انقلاب در آنجا میگذرد هنوز از اصلاحات در جنوب خبری نیست. هنوز ۵٪ زمینهای منطقه جنوب از آن ۵۰٪ اقلیت است. طبق گزارش خبرنگاران سوئیس جیفتلاسه ولیابرد که ماه گذشته از ویتنام آمده‌اند: در جنوب این کشور سطح زندگی مردم بمراتب بدتر از قبل از انقلاب گشته‌اند. مردان را بعنوان سرباز به کامبوج و بامرز چین اعزام کرده‌اند و در نتیجه در مزارع فقط زنها مشغول کارند و این خود باعث کم شدن محصول گردیده است. بچه‌ها از اغذیه ناکافی و ناسالم به امراض راشیتیس مبتلا گردیده‌اند.

ویتنام از لحاظ رشد صنایع نیز با مشکلات و بحران روبرو گشته‌اند. ۲۰٪ رشد تعیین شده در سال ۱۳۵۶ - ۱۳۵۴ فقط تا ۱۱/۳٪ عملی گردیده است. در اواسط سال ۱۳۵۷ هان دان ارگان مرکزی حزب اعلام کرد که تولید صنایع که قرار بود تا ۲۰٪ رشد یابد عملی نگردیده‌اند و این رقم فقط ۶٪ می‌باشد. در صدبیکاری در ویتنام نیز

متقابل اقتصادی اروپای شرقی) در خرداد ۱۳۵۷ روسیه در ماه شهریور با زدن یک پل هوایی مقدار زیادی اسلحه‌های ۲۳ و موشک به این کشور فرستاده است. روسیه کارشناسان خود را در ویتنام به ۴۰۰۰ نفر افزایش داده و بعد از امضای قرارداد دوستی و همکاری با ویتنام با یگانهای دریایی آمریکا در خلیج کامران را مورد استفاده قرار داده است. در آرای این امتیازات به روسیه ویتنام ۱/۶ میلیون تن سالانه ۳۰۰ میلیون دلار نفت دریافت میدارد. این ۳۰۰ میلیون دلار معادل تمامی صادرات ویتنام میباشد. غیر از این ویتنام مجبور است بخاطر واردات روزافزون مواد غذایی خود از روسیه کمک بگیرد که طبق آمار موجود این کمک در سال های ۱۳۵۹ - ۱۳۵۵ به ۲/۵ میلیون دلار رسیده است. در نتیجه ورشکستگی اقتصادی ویتنام و سیاستهای تسلیم طلبانه و انقیاد طلبانه رهبران این کشور، ویتنام با مخالفتهای زیادی از طرف مردم خویش روبرو گردیده است، زندانیان سیاسی در ویتنام طی اطلاعیه‌های بنام وصیت نامه خود چنین نوشته‌اند: امروزه بغیر از دهها هزار نفر از سربازان و افسران و کسانی که بارزیم گذشته ارتباط داشتند تعداد صدها هزار نفر از روستائیان و کارگران و افراد میهن پرست که با رژیم سابق هیچگونه ارتباطی نداشته و افراد میهن پرستی هستند از طرف حزب کمونیست حاکم در زندانها نگهداشته شده‌اند.

در بین امضانندگان "تانگوین مینه" از همکاران هوشی مین که بمدت ۱۴ سال با وی همکاری میکرد "تگوین وان مین" از رهبران حرکت تانگ در سال ۱۳۴۷ و "حای جی بین تانگ" از افسران بلند پایه حرکت رها تیبخش ویتنام جنوبی و سای وان سو، تران دوئن از افسران عالی رتبه ویتنام شمالی و پروفیسور هوهون تانگ و تگوین وان تانگ، تگوین جون نگارو، تگوین هوان دیده میشوند.

در ویتنام در شهریور ۱۳۵۴ یعنی چند ماه بعد از استقرار حکومت جدید دوباره بانسور بحران اجرا

یکی از بنیانگذاران جبهه آزادیبخش ویتنام هدف از فرار من بخارج سازماندهی جنبش مقاومت است

رویدادهای اقتصادی بانکهای منطقه ای باید هرچه زودتر تشکیل شوند

چند روز پیش سمینار مدیران بانکها در تهران تشکیل شد و مسائل و مشکلات سیستم بانکی کشور بررسی گردید. از جمله مسائلی که در این سمینار بررسی شد، مسئله بانکهای استانی و منطقه‌ای بود که با وجود اینکه مدتهاست بر سران بحث میشود اما هنوز بیش از چند قدم کوچک در راه اجرای طرح ایجاد بانکهای استانی برداشته نشده است. رئیس جمهوری که دو ماه بعد از روی کار آمدنش، با صدور بخشنامه‌ای به استانداران اطلاع داد که باید ظرف ۱۵ روز مجمع عمومی بانکهای استان را تشکیل داده و فعالیت این بانکها هرچه زودتر شروع شود. اما این ۱۵ روز، الان چند ماه است که ادامه پیدا کرده ولی هنوز این طرح از مرحله حرف بالاتر نرفته است.

این نکته کاملا روشن است که در جهان امروز بانکها بوسیله آنچنان بندهای محکم و ناگسستی با بازرگانی و صنایع جوش خورده‌اند که بدون کنترل سیستم بانکی و بدون تنظیم امور بانکی بهیچ وجه نمیتوان حتی صحبت از کنترل و تنظیم اقتصادی کرد. در عین حال فراهم نمودن زمینه‌های توسعه اقتصاد ملی، بدون تغییر مناسب در کارکرد سیستم بانکی، به نحوی که بتواند جوابگوی نیازهای این توسعه باشد، امکانپذیر نیست.

سیستم بانکی ایران، در زمان حاکمیت رژیم شاه، اهرم اصلی تنظیم و اجرای سیاستهای مالی و اقتصادی امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته بود. بانکها به نحو فشرده‌ای با سرمایه‌داری بورکراتیک دولتی پیوند داشته و تحت کنترل آن بودند. بدیهی است که ساخت و کارکرد این سیستم بانکی در جهت تامین منافع امپریالیسم و سرمایه داری وابسته بود.

برای اینکه بتوانیم جهت اصلی زندگی اقتصادی کشور را بسوی رشد و گسترش اقتصادی و قطع وابستگیها و مبارزه با بیماریها و عقب ماندگیهای ناشی از سلطه امپریالیسم بکشانیم. بدون هیچ تردیدی سیاست ما در مقابل بانکها اهمیت بسیار ویژه‌ای خواهد داشت.

"برنامه کنونی حزب رنجبران ایران برای ادامه انقلاب" که در بهمن ماه گذشته منتشر شد در زمینه سیاست مالی و بانکی، از جمله به ۳ نکته زیر برای تغییر در کارکرد بانکها اشاره میکند:

— بانکها باید به عنوان موسسات مالی، از وسیله‌ای برای تقویت سرمایه‌های بزرگ و کشاندن سرمایه‌های کوچک به ورشکستگی به وسیله‌ای در خدمت تنظیم رشد اقتصادی مستقل کشور تبدیل شوند.

— بانکها باید از طریق وامهای طویل‌مدت بدون بهره یا با بهره‌های نازل به رشد تولید کنندگان کوچک، به ویژه کشاورزان و صنعتگران و سرمایه‌داران کوچک و متوسط کمک نمایند.

— باید در بخش خدمات نیز از طریق وامهای دراز مدت و با شرایط سهل، امکانات رفاهی مساعدی در اختیار اقشار کم درآمد به ویژه زحمتکشان قرار دهد.

اهمیت بانکهای منطقه و استانی

بخش عظیمی از سرمایه‌داری ملی ایران در مناطق مختلف کشور با سرمایه کوچک و متوسط به تولید و تجارت اشتغال دارد. امکانات مالی و اعتباری اینان بطور عمده از طریق سیستم بانکی تامین میشود. حاکمیت سرمایه‌داری وابسته خواه ناخواه رشد و گسترش فعالیت این قشر عظیم را در تنگنای شدیدی قرار داده‌بود. ضرورتی ناشی از ادامه و تکامل انقلاب حکم میکند که سیستم بانکی، حداکثر تسهیلات، امداد، توسعه فعالیت، سازماندهی و اصلاحات را

شد. "ترونگ نهو تانگ" انگیزه خود را از بیوستن به جبهه آزادیبخش ویتنام جنوبی مبارزه علیه دخالت آمریکا و رژیم دیکتاتوری و فاسد ویتنام ذکر کرده وی ادامه داد "جبهه آزادیبخش ویتنام که بعدا در سال ۱۹۶۹ دولت موقت انقلابی را تشکیل داد یک جنبش ملی گرا بود که هدفش ایجاد یک ویتنام (جنوبی) مستقل، دموکراتیک، صلح دوست، بیطرف و آباد که قدم بقدم با بخش شمالی ویتنام متحد شود بود." او گفت: ویتنام کنونی کوبای آسیا و در خدمت توسعه طلبی روسها است.

او ضمن انتقاد به سیاست دشمنی با چین که وی آنرا یک اشتباه استراتژیکی و تاریخی نامید، وابستگی‌های همه جانبه ویتنام به روسیه را بر شمرد.

او درباره اوضاع نابسامان اقتصادی ویتنام اظهار داشت "ویتنام در حدود ۲ تا ۳ میلیون تن کمبود مواد غذایی در سال دارد." وی در خصوص اوضاع اجتماعی ویتنام گفت "دولت به یک طبقه بوروکرات و فاسد که روز بروز فاصله خود را با مردم بیشتر میکند تبدیل شده است."

درباره نارضایتی و مقاومت مردم وی چنین گفت: "نارضایتی و مخالفت همگانی و عمومی در ویتنام وجود دارد اما مقاومت فعال وجود ندارد، اما اگر جنگ و پدیدختی ادامه یابد یک انفجار رخ خواهد داد." او درباره دلیل فرار خود به فرانسه گفت: "هدف من از فرار بخارج سازماندهی جنبش مقاومت است."

دارودسته حاکم برویتنام، با ایفا کردن نقش زاندارم منطقه و برادر کوچک ترهای نو، روز بروز به شیخ فاشیستی خود بر مردم قهرمان ویتنام و مبارزانی که سالها در جنبش آزادیبخش ویتنام بر علیه اشغالگران و متجاوزین امریکائی جنگیده‌اند می‌افزاید.

صدها هزار نفر از بهترین میهن پرستان و کادرهای انقلابی در سیاه چالها بسر برده و بیش از یک میلیون دیگر نیز مجبور به ترک میهن عزیز که سالها بخاطر آن جانفشانی کرده و به آن عشق می‌ورزند شده‌اند.

مردمی که قادر به تحمل اختناق و فشار رژیم موجود رانیستند و با فقر و گرسنگی دست بگریانند دارو ندار خود را فروخته و حتی با قرض آزادی خود را از مقامات دولتی می‌خرند. آنها مجبورند برای فرار از چنین جهنمی و بیاپرداخت میلی به صورت طلا راهی سرزمینهای دیگر شوند و زندگی خود و خانواده‌شان را در دریاها بدست قضا و قدر بسپارند. دولت سرکوبگر و سرسپرده حاکم حتی از این هم با فراتر گذاشته و در قایق‌هایی که حامل این پناهندگان است بمب کار گذاشته و باعث غرق آنها در دریامیشود.

لائوس و کامبوج آزمایشگاه بمبهای شیمیائی روسیه

به ۱۶ درصد افزایش یافته است. تولید شرکت کنند می‌رسد. دولت ویتنام سعی میکند راه حل این بحران در کشاورزی و صنایع رادرواسته شدن هرچه بیشتر به روسیه نشان دهد. بعد از عضو شدن ویتنام در کومکون (شورای کمکهای

مقاومت و مبارزه در ویتنام

بخاطر پیروزی از سیاست ماجراجویانه و توسعه طلبی در سیاست خارجی و قبول نقش ژاندارم منطقه‌ای سردمداران ویتنام بیش از پیش به آرمانها و اهداف خلق ویتنام پشت کرده‌اند. ادامه چنین سیاستی مقاومت و مخالفت مردم ویتنام بر علیه دارودسته لهدوان و اربابان روسی‌اش را برانگیخته‌است. شرایط غیرقابل تحمل واختمان باعث فرار بیش از یک میلیون ویتنامی بخارج شده‌است. دربخش جنوبی ویتنام مبارزه مسلحانه مردم بر علیه رژیم سرسپرده و وابسته به روس ویتنام در حال اوج گیری و گسترش است.

بر اساس گزارش "صدای کامیوجیای دمکراتیک" در اواخر ماه مه چریکهای "جبهه نجات ویتنام" و "خمرگرومسی" دست به حملات متعددی به نیروهای دولتی زده و تلفات سنگینی به دشمن وارد کرده‌اند. بنا بر گزارش همین منبع دودانشجوی ویتنامی که اخیراً به شهر "باتامبانگ" واقع در کامیوجیای (کامبوج) وارد شده‌اند اظهار داشتند که "اکثریت مردم ویتنام

جنوبی مخالف رژیم لهدوان هستند". آنها هم چنین در این رابطه بیان داشتند که "جنگ بین نیروهای مقاومت و سربازان ویتنام" حتی در شهرهای بزرگ نظیر "لانگ‌خان" در ۷۰ کیلومتری شهر هوشی مین غالباً اتفاق می‌افتد و بودائی‌ها، کاتولیک‌ها و حزب "تاچ‌لانگ" مخصوصاً در بخش مرکزی ویتنام بسیار فعالند".

چریکهای "دگ-فولسرو" در حملاتی که علیه ارتش هانوی در جبهه "بن‌می‌توت" و "دارلاک" بشمار رساندند، تعداد ۱۵۰ سرباز ویتنامی را بهلاکت رسانیدند (این ناحیه در بخش جنوبی ویتنام و ۳۰۰ کیلومتری شمال سایگون واقع میباشد) همچنین این چریکها طی یک حمله به ارتش ویتنام در دره "کوه‌شویا" (منطقه چهاروژو) ۲۲ تن از آنها را کشته و زخمی نمودند.

دادگاه استان "بین تری تین" در ویتنام در تاریخ ۱۶/۱۲/۵۸ یک گروه شورشی را به حاکمه کشانده و رهبر این گروه را بجرم اقدام جهت آغاز "شورش توطئه آمیز محکوم به

ماوقتی پدرشان را از دست میدهند چون مادرشان مجبور است سرکار برود در حقیقت هم بی پروم هم بی مادر می شوند.

اگر بدانید که ما با چه وضعی در کارخانه روبرو هستیم میدانم که این فساد در کارخانه چیزی نیست که جدا از همه این مسائل در مملکت حل شود ولی من قسمتی از آنها را برای شما می گویم تا بدانید ما چه میکشیم. در کارخانه چیت سازی که من کار میکنم همه از اوستا کار و متصدی دفتری ما مشکلات زنهارا وقتی با جدیت حل می کنند که با آنها روابط خوبی داشته باشی واضح تر بگویم

شوروی مناطق پارتیزانی کشورهای لائوس و کامبوج را به آزمایشگاه بمبهای شیمیایی خود تبدیل ساخته‌است. طبق گزارش خبرگزاریها، نیروهای ویتنامی و دست‌نشانندگان لائوسی آنها از ژوئن ۱۹۷۶ حداقل سه نوع مختلف از این بمبهای شیمیایی را در مقابله با شوروی تایفه کوهستانی "مو" در لائوس بکار بردند که از این طریق روستاهای زیادی با اهالیشان کاملاً از بین رفته‌اند. بسیاری از پناهندگان "موتی" در تایلند کرارا "به خبرنگاران گفتند هواپیماها چیزی یرتاب میکردند که بر اثر آن آب‌نهرها مسموم و مزارع نابود میشد و در پی آن انسانها نیز از بین میرفتند. با این حال هانوی که حدود ۵۰۰۰۰ سرباز در کشور همسایه لائوس دارد موفق نشده‌است مقاومت مسلحانه

اعدام نمود. جرم این گروه کار مخفی زیر زمینی، ایجاد پایگاه مرکزی در شهر هوشی مینه و شهر هیو و اقدام به چاپ و تکثیر انواع اعلامیه در دعوت مردم به مبارزه میباشد. طبق اخبار خبرگزاریهای مختلف مقاومت مسلحانه شدیدی در "هایو جیانگ" و "دانانک" در جریان است همچنین گزارشات گوناگون از ویتنام حاکیست که تعداد زیادی از جنگجویان سابق جبهه آزادی بخش ویتنام که معروف به ویت کنگ بودند، بعلت ناراضیاتی از سیاستهای وطن فروشان رژیم ویتنام به تشکیلات جدیدالتاسیس زیرزمینی که هدف آنها برآه انداختن جنگ توده‌ای

مردم را نابود سازد. نظیر این گزارشات در مورد بکار بردن مواد شیمیایی، این روزها از کامبوج نیز می‌رسد. تعداد زیادی از پناهندگان کامبوج به خبرنگاران گفتند که نیروهای اشغالگرویتنامی شروع به نابود ساختن مردم کامبوج کرده‌اند. آنها تلاش میکنند بوسیله سرکوب بی رحمانه و گرسنه نگهداشتن مردم، مقاومت دلیرانه آنها را سرکوب کنند. رادیوی کامبوج دموکراتیک اعلام کرد که ویتنامها از سال قبل بطور سیستماتیک بکار گرفتن بمبهای شیمیایی را شروع کرده‌اند. بخصوص در مناطق جنگلی و در نواحی "کوم پونگ اسیری" و "کوم پونگ چانگ" و همچنین در امتداد مرز کامبوج و ویتنام بارها جنین بمبهای توسط ویتنامها استفاده شده‌است.

علیه حکومت هانوی میباشد، می‌پیوندند. بنابه گزارش خبرگزاری فرانسه تعدادی از اعضا ناراضی حزب زحمتکشان ویتنام در صدد پناهندگی سیاسی به فرانسه هستند تاکنون علاوه بر افراد مختلف ویتنامی چند شخصیت دولتی حزب که سابقه مبارزات طولانی نیز داشته‌اند، به کشورهای مختلف پناهنده شده‌اند. بنا بر گفته آنها هم اکنون تعداد ۷۰۰/۵۰۰ زندانی سیاسی در زندانها یا "اردوگاههای تربیتی" ویتنام به سر می‌برند، که ده هزار تن از آنان در اثر امراض و گرسنگی با مرگ مواجه هستند.

رنجبر و خوانندگان

اگر جوان باشی خوش بروروی باشی و حاضر باشی به خواستهای آنها جواب بدهی آنوقت نانت در روغن است چون در آن صورت هم کارت سبک تر می شود هم آنها دیگر بهانه جوئی نمی کنند و گرنه اگر روی خوش به آنها نشان ندهی می بینی سالیهاست کار میکنی ولی کمتر از دیگران میگیری و کارت سخت تر است.

خواهند وام یا زمین یا مسکن بدهند اول شامل دفتتری ها کارمندا ، متصدی ها ، اوستا کارها و زنهایی است که با آنها خوبند و سر ما همیشه بی کلاه است. تازه هر زن جوانی هم که بکارخانه می آید اصلاً

فید و بندهای ناشی از حاکمیت سرمایه‌داری و وابستگرا از پیش پای آنها بردارد. در این رابطه ایجاد بانکهای استانی و منطقه‌ای قدم مهمی است که هر چه زودتر باید برداشته شود. سیستم متمرکز بوروکراسی دولتی و دستگاه بانکی که به تبعیت از نیازهای سرمایه‌داری وابسته شکل گرفته بود باید شکسته شد و اختیارات و امکانات استانیها و مناطق باید فوق العاده افزایش یابد.

بانکهای استانی و منطقه‌ای باید وسیله مناسبی برای تامین امکانات مالی و اعتباری سرمایه‌داری محلی مناطق مختلف کشور باشند که خارج از کنترل بی رویه "مرکز" ولی تحت هدایت آن انجام وظیفه نمایند. برای عملی شدن این طرح باید ضمن متحول نمودن قوانین حاکم بر بانکها و دستگاه بوروکراسی بطور اساسی، تشریفات بوروکراتیک را به حداقل رساند و بانکها را تماماً در خدمت رشد اقتصاد ملی درآورد.

کاهش مداوم صادرات آمریکا به جهان سوم

معاون وزارت بازرگانی آمریکا چندی پیش فاش کرد که بدهی کشورهای جهان سوم چیزی نمائند که به ۴۰ میلیارد دلار برسد. او گفت که وضعی بیش آمده که این کشورها از هر ۲ دلاری که وام میگیرند یک دلار آن را باید صرف بازپرداخت اصل و فرع آن کنند. وزیر بازرگانی آمریکا نتیجه حتمی این وضع را اجبار جهان سوم به کاهش واردات دانست و در عین حال متذکر شد که رشد صادرات کالاهای ساخته شده آمریکایی تا حدود زیادی بستگی به تقاضای جانب کشورهای جهان سوم دارد.

اگر قدرت امپریالیستی آمریکا از یک سو برای جبران بحران اضافه تولید خود مجبور است بازارهای جدیدی برای فروش یافته و انواع مختلف تقاضای خرید در کشورهای مختلف بخصوص در جهان سوم بوجد آورد و از سوی دیگر مافوق سودهای ناشی از صدور سرمایه و وام‌دهی و تنزیل بگیری آنچنان شرایطی در این کشورها بوجود می‌آورد که مجبور میشوند از وارداتشان بکاهند و با مسئله بازپرداخت اصل و فرع وامها کلنجار روند.

امریکاسی میکنند از طریق صدور سرمایه و وام‌دهی، زمینه را برای صدور کالا فراهم نماید، اما همین امر بناچار و به تبعیت از تضادهای ذاتی سیستم سرمایه‌داری انحصاری، موجب کاهش تقاضا و تشدید بحرانهای امپریالیستی میشود.

ارزش صادرات آمریکا به کشورهای جهان سوم که در سال ۱۹۶۹ در حدود ۱۰ میلیارد دلار بود، در سال ۷۹ به ۶۳ میلیارد دلار رسید. سهم آمریکا در تجارت جهان مرتب روبه کاهش بوده و از ۲۰ درصد سال ۶۰ هم اکنون به ۱۴ درصد رسیده است.

هند پیشنهاد شوروی را رد کرد

خانم گاندی نخست وزیر هند گفت که این کشور پیشنهاد اتحاد شوروی را مبنی بر ایجاد یک نیروگاه اتمی عظیم در هند رد کرده‌است.

نخست وزیر هند که در پارلمان این کشور سخن میگفت اظهار داشت که پیشنهاد شوروی از مدتی پیش مطرح شده ولی بعلت شرایط داخلی و غیر اقتصادی بودن این طرح از قبول آن خودداری میکنیم.

هند اکنون صاحب ۲ نیروگاه اتمی است. این نیروگاهها مانند آنچه که در ایران نیز ساخته شده و با قرار بود ساخته شود برای کشورهای جهان سوم زبان آور هستند و تنها سود امپریالیستهای سازنده آنهاست که از این طریق سودی به جیب بزنند و نفوذ اقتصادی برای خود دست و پا کنند.

آلونک نشینان خیابان زنجان مسکن میخواهند

**خطر آوار
همیشه
زاغه نشینان را
تهدید می کند**

**۲۰ مسئولین بعد از ۲۰ سال آلونک نشینی به جای دادن
خانه ، می گویند به ده برگردید!**



کارگر کارخانه پپسی کولا و شهرداری منطقه یک هستند و یا شیکرد خیابان ها و یا نگهبان محل های مختلف و حقوق آنها از ۱۲۰۰ تومان شروع می شود و تا حداکثر ۲۲۰۰ تومان می رسد. بعضی از زن ها نیز در خانه های دیگران از صبح تا شب کار می کنند تا یک لقمه نان بخور و نمیری گیر بیاورند .
اکثرا هر خانواده ای از ۶ نفر کمتر نیست . شاید برای کسانی که این آلونکها را ندیده اند غیر قابل باور باشد ولی در این سوراخها که حداقل ۶ نفر می خوابند ، در موقع خواب به هر نفر مساحتی حدود ۱ متر درنیم متر می رسد .
گردش در آلونکها تمام میشود و بیرون می آئیم . در مقابل یکی از آلونکها زن زحمتکشی در فضای باز بیرون در مقابل همسه بچها شراکت کرده و صابون می زند . بچه های ریز و درشت همه

یک مستراح برای ۳۰۰ نفر

شیرین غیاثوند می گوید: "تا دو ماه پیش توی جوی آب لباس و ظرفهای شستیم و تازه بعد از دوندگی خیلی زیاد دوتا شیر آب یکی اینطرف خیابان و یکی دیگرانطرف برپایمان گذاشتند . یعنی ۲ تا شیر آب برای هزار نفر آدم . این طرف فقط یک مستراح دارده که ۳۰۰ نفر از استفاده می کنند و صبحها همه باید صاف بکشند تا یکی ، یکی نوبتشان برسد . آن طرف ۲ تا مستراح یعنی هزار نفر با ۳ تا مستراح ."
امان علی غیاثوند میگوید: " ۹ ساعته دارم و خیلی وقت پیش مهندس تقوی در شهرداری ناحیه یک اخراج کرد . برای ۲ سال سابقه کار هم فقط دوهزار تومان بهم دادند و اینهم وضع الانم هست . همه غیاثوندی ها درد دل دارند ، همه ، محمد علی ، نظر علی ، محمدرضا اصغر ، عزیز محمد و . . . همه می گویند بما زمین بدهید . هر چی باشد ماسهمی درآباد کردن این محل داشته ایم . هر خانواده ای حداقل ۳ یا ۴ بچه دارده و همه بچه ها آواره خیابان هستند و هیچگونه تفریحی ندارند ."

یکی از اهالی میگفت : یکروز بچهام گریه کنان از مدرسه به خانه آمد ازش پرسیدم چرا گریه می کنی در جواب گفت در مدرسه گفتند " این بچه آلونک نشین است و مسخره ام کرده اند . " من هم خیلی ناراحت شدم و دیگر دلم راضی نمیشود دوباره بچهام راهمین جا مدرسه بگذارم . تصمیم گرفتم همین آلونک محقرا بفروشم و از این محل بروم ."
مردم زحمتکشی آلونکهای خیابان زنجان با آنکه بطور مداوم در کرسی نشاندن خواست خود فعالیت می کنند اما از جوابهای مسئولین مربوطه مثل بنیاد مستضعفین دفتر ریاست جمهوری ، بنیاد انقلاب اسلامی ، کمیته محل . . . شدیداً شاکی هستند . این مسئولین در عوض دادن جواب روشن به خواستهای آلونک نشینان دائماً " به آنها سا می گویند بده تان برگردید . مردم آلونک نشین می گویند ما بیش از ۱۵ تا ۲۰ سال است که اینجا ساکن هستیم مردهای ما در محل های مختلف کارگری می کنند . تازه این دیگر حق

**کنفرانس مطبوعاتی « جمعیت زنان ایران »
مبارزه زنان باید باعث تقویت
مبارزه کنونی علیه امپریالیسم بشود
طرح مسئله پوشش زنان میبایست ابتدا
بصورت کار توضیحی انجام میگرفت**

مساله تبدیل کرد زیرا ملت در مقابل خود مسایل بسیار مهمتری دارد که لازم است ابتدا با آنها پرداخته شود . اوسیس در انتقاد به شیوه اعمال شده از جانب مسئولین اشاره کرد و اظهار داشت که بنظر ما هم زنان باید پوشش مناسب وساده داشته باشند اما ابتدا میبایست خواهران را با کار توضیحی ارشاد کرد و همانطور که امام بارها گفته اند مسایل مردم را باید با کار سیاسی و فرهنگی در میان آنها حل کرد . صدور ناگهانی یک اعلامیه بدون تدارک توضیحی قبلی و تهدید به اخراج شیوه ای است که طبیعتاً عکس العمل تند خود را بدنبال خواهد آورد . این شیوه تا آنجا پیش میرود که پس از تظاهرات زنان در مقابل نخست وزیر و غیره اینک عده ای از زنان کارمند نیز در میان تظاهرات کنندگان بودند معضلاً برخورد برخی مسئولین در جهتی است که همه آنها را اعمال امپریالیسم و شاه پرست قلمداد میکنند و حتی برخی مطبوعات و احزاب نیز که در زمره پیشروان جنبش و انقلاب ما هستند باین مسئله باین مسئولیتی برخورد کرده و باتفکیک نگذاشتن صفوف ، آندسته از زنانی را که در انقلاب نیز نقش مثبت داشته اند و از میان خلق هستند عملاً به صف عمال دشمن سوق میدهد .

جمعیت زنان ایران طی یک کنفرانس مطبوعاتی که عصر روز ۴/۱۷ در محل جمعیت در تهران برگزار گردید در پاره مسایل پوشش زن ، شیوه برخورد بان ولزوم وحدت خلق در مبارزه علیه امپریالیسم شرق و غرب نقطه نظرات خود را بیان داشت .
خانم دکتر فریده کرمان یکی از مسئولین جمعیت زنان ایران ابتدا به فعالیت های سیاسی و فرهنگی این جمعیت در سطح کشور از آغاز انقلاب اشاره کرد و گفت که این جمعیت به عنوان یک شکل ضدامپریالیستی در راه تحقق حقوق حقه زنان ایران مبارزه میکنند و این مبارزه را در سمت تکامل انقلاب اسلامی وضد امپریالیستی کنونی سوق میدهد . وی افزود که بنظر ما زنان در عین مبارزه برای کسب حقوق از دست رفته خویش حرکت مبارزاتی خویش را باید طوری سمت دهند که باعث تقویت هر چه بیشتر مبارزه عظیم کنونی مردم علیه امپریالیسم گردد .
دکتر فریده کرمان سپس به توضیح نقش زن در جامعه ایران از نظر تاریخی پرداخت و گفت که زنان ایران در دوران تسلط طولانی امپریالیسم و فئودالیسم بر جامعه همواره عقب نگه داشته شده اند و سیستم فئودالی و امپریالیستی حاکم بر جامعه زن را در تولید دخالت نمیداده بلکه او را صرفاً به مصرف کننده ای بدل ساخته است . حتی کارمندان و کارگران زن در ادارات و مراکز تولیدی نیز اکثراً مشاغل ماشین نویسی و منشیگری و از این قبیل را دارا هستند و کمترین سمت اداره کننده و یا متخصص اشتغال دارند . از اینرو لزوم مبارزه در این جنبه از نظر ما اهمیت بسیار دارد و معتقدیم که حل این مساله نقش تعیین کننده ای در مبارزه علیه فرهنگ امپریالیستی و طاغوت زدایی دارد .
خانم فریده کرمان سپس به مساله پوشش زنان برخورد کرد و گفت این مساله که این چنین در سطح جامعه جریان یافته مساله ایست که محدود به قشری از زنان میشود و نه تعداد وسیع زن ، و نباید آنرا به بزرگترین

**آلونک خراب
در محله آباد**
اینبار به سراغ آلونک نشین های خیابان زنجان شمالی در منطقه

کمیته محل بجای خانه شماره هیدها

وارد الونگی می‌شویم. بهای صحبت مردم زحمتکش الونک می‌نشینیم. صاحبخانه که یاقسر غیاثوند نام دارد میگوید: من از ۲۰ سال پیش به این محل آمده‌ام و سرعائله دارم که ۲ نفر از آنها پدرو مادر پیرم هستند. کارم شیگردی است و ماهانه ۱۳۰۰ تومان درآمد دارم و باید ۹ نفر را نان بدهم. در مقابل خانه‌اش مشغول ساختن گاه‌گل بود که وارد الونک شدیم از او می‌پرسم که گاه‌گل برای چیست؟ می‌گوید: تیرهای سقف الونک چیزی نمانده بود که پائین بیاید وزن و بچه‌ها را زیر آوار بمانند من هم با اینکه شیبا کار می‌کنم، مجبور شدم چند تا از هم‌شهریه‌هایم را صدا بزنم و با هم سقف الونک را گاه‌گل بکنیم و تیرهایش را عوض کنیم البته پول این کار راهم اهالی کوچه های بغلی جمع کرده‌اند. آقا اینجا همیشه خطر آوار هست!

در این الونک که همه اهل یک محل هستند و فامیلی همه غیاثوند

بیشتر بین مردم رایج است که الونک نشین‌ها و زاغه نشینان در اطراف تهران و خارج از محدوده شهر زندگی میکنند. اما وقتی از منطقه خیابانهای دریان نو که تا محل الونک‌ها فاصله خیلی کمی دارد عبور می‌گردیم، برایمان بسیار تعجب آور بود که چگونه این الونک‌ها در قلب یک منطقه‌ای قرار دارند که اکثر خانه‌ها خیلی زیبا و شیک هستند. بعد با صحبتی که با مردم الونک کردیم معلوم شد آن زمانی که این مردم زحمتکش برای ساختن الونک به اینجا آمده‌اند (یعنی حدود ۲۰ سال پیش) اصولاً تا چند کیلومتری اینجا هیچ گونه منزل مسکونی وجود نداشته و تقریباً تمام اطراف آن، بیابان بود. این الونک نشینان نیز در طی ۲۰ سال توانسته‌اند مبارزه و مقاومت کنند و زیر بار زور زمین خواران طاغوتی نروند.

دخمه یا خانه؟

به محل الونک‌ها که در دو طرف ابتدای خیابان زنجان شمالی هستند می‌رسیم، مردم زحمتکش بعد از آنکه بی می‌برند ما خبرنگار "رنجبر" هستیم هر کدام اصرار می‌کنند که الونک‌های آنها را ببینیم. راه می‌افتیم. سوراخ‌هایی می‌بینیم که هر کدام بطور نامنظم روی دیگری و یا در مجاور آن قرار دارند.

حفره‌هایی که حتی در روز روشن بدون چراغ در آنها نمیتوان یک قدم برداشت. مساحت هر کدام دو متر در دو متر و یا حداکثر دو متر در سه متر است.

از آنجا که این الونک‌ها بدون هیچگونه حساب و کتابی ساخته شده است همیشه خطرریزش یکی بر روی دیگری و اینکه از دو طرف تعدادی قربانی این وضع فلاکت‌بار بشوند، وجود دارد. این سوراخ‌ها که فقط اسم خانه را دارند هیچگونه پنجره یا منفذی غیر از یک در کوچک ورودی ندارند به همین علت گرمای شدیدی ساکنین الونک را بشدت اذیت می‌کند.

اهالی این الونک‌ها حدود ۲۰۰ خانوار هستند که از حدود ۲۰ سال پیش بتدریج به این محل آمده‌اند. حدود ۴۰، ۵۰ خانوار از دهات اطراف زنجان و سراب آمده‌اند و بقیه که کرد هستند از مناطق کرد نشین اطراف قزوین به تهران مهاجرت کرده‌اند.

تعداد زیادی از مردهای بیکار هستند و از بعد از انقلاب از کارهای خود اخراج شده‌اند و بقیه مردها یا

«تحصن جاسوسان» در سفارت ایران در باکو»

بدنیال انتشارخبر، اشغال سفارت ایران در باکو تحت عنوان "تحصن ایرانیان مقیم باکو برای بازگشت به ایران"، روزنامه جمهوری اسلامی خبر را به نقل از خبرگزاری پارس در این مورد چاپ کرده و در آن آمده است که، خبرگزاری رویتر اخبار مربوط به تحصن در محل کنسولگری ایران در باکو را به دلخواه خود مخابره کرده است که چند صد نفری در مقابل کنسولگری اجتماع کرده اند. حال آنکه سفارت جمهوری اسلامی ایران بار دیگر یادآور شد که عده‌گنبری به بهانه مراجعت ایران در برابر سرکنسولگری اجتماع کرده بودند که بعضی از آنها نیز مسلح به سلاحهای سرد و مواد قابل اشتعال بوده و تهدید به خودکشی و ایجاد آتش سوزی میکردند این عده اظهار داشتند چنانچه همگی به ایران مراجعت نکنند و به متخصصین لطمه‌ای وارد شود فاجعه اسفناکی در سرکنسولگری بوجود خواهند آورد.

روزنامه جمهوری اسلامی در جواب و توضیح این مطلب نوشته است: مسلمانان "تحصن" جز جاسوسان دست پرورده "ک.گ.ب" نمیتوانند باشند چراکه در کشوری نظیر شوروی که کوچکترین حرکت شهر و ندان زیر نظر دقیق دستگاه امنیتی قرار دارد، نظهراتی از این قبیل نمیتواند جز با تعهدات قبلی گرمین نشینان صورت پذیرد. ماهه شوروی هشدار میدهم که خلق ما اگر درگیر مبارزه با شیطان بزرگ است از شیفتهای تاواریشهای روسی غافل نیست و اگر لازم باشد ما آنها نیز خواهد روزید. پس بهتر است بخاطر مصالح داخلی خود روسیه هم شده، دولت مردان توطئه‌گر روسی دست از این بازیها بردارند و بگذارند آن جاسوسان که تازگی وطن پرست از آب درآمدند در همان بهشت موعود زندگی خود را بکنند و بیش از این مردم مسلمان ایران را که بالاخره بعد از قرن‌ها قامت خود را راست کرده است خشمگین نسازد.

فرار کشتی گیران افغانی به پاکستان

پیشاور - خبرگزاری فرانسه - یک سخنگوی اتحاد اسلامی برای آزادی افغانستان گفت که هفت کشتی گیر افغانی که باید به المپیک می‌رفتند بجای رفتن به مسکو به پاکستان گریختند.

نجف علی کابیتان تیم که بارها جوایز بسیاری در مسابقات بین‌المللی بدست آورده است و یکی از اعضای جنبش (جماعت اسلامی مجاهدین) است گفت: که بارها کوشیده‌است در جریان سفرهای خارجی به همراه تیمش به مبارزان بپیوندد، اما همواره مقامهای افغانستانی به آنها اعتماد نکرده و آنها را در اردوگاه‌های ویژه نگاه داشته‌اند. وی گفت: آنها با اجازه نمی‌دادند که اردوگاه را برای دیدار با خانواده‌هایمان ترک کنیم و سلطان علی کشتمند معاون نخست وزیر بما گفت که ما باید در مسکو به پرسشها پرشهای در مورد افغانستان پاسخ دهیم! ما باید در مسکو در پاسخ این پرسشها بگوئیم که همه چیز در افغانستان خوب است و مردم خوشحال هستند.

ما اخیراً یونیفرم و هرکدام ۲۰۰ دلار خرجی دریافت کرده و روز چهارشنبه دوم ژوئیه عازم سفر به مسکو بودیم، اما شب قبل از آن به پاکستان گریختیم تا به اسلام و ملت مسلمان خدمت کنیم.

این اولین فرار ورزشکاران افغانی نیست. تاکنون چندین بار ورزشکاران تیمهای مختلف (بسکتبال، فوتبال) که عازم مسکو برای شرکت در المپیک بوده‌اند، بخاطر اعتراض به اشغال نظامی افغانستان و قتل عام هم‌میهنان خود به خارج گریخته‌اند.

فرار این ورزشکاران از به اصطلاح اردوهای ورزشی یا در حقیقت از زندانهای روسی، گویای واقعیتی بس عظیم و انکار ناپذیر است واقعیتی که تلیفات دروغین و لجن پراکنی های روسها و عملشان نتوانست بر روی آن سرپوش گذارد. فرار ورزشکاران افغانی نشان دهنده این واقعیت است که جنبش و مبارزات خلق افغانستان انچنان گسترده شده و شدت یافته که حتی ورزشکارانی را بسوی خود جلب کرده که دولت و روسها ماهها تعلیم داده‌اند و آنها را در شرایط خوب و مرفهی قرار داده‌اند.

این امر حاکی از اینست که حکومت مزدور و دست نشانده ببرک کارمل روز بروز تضعیف میشود و جنبه مبارزاتی خلق علیه متجاوزین سوسیال فاشیست تقویت و گسترش می‌یابد. شکست شوروی حتمی است و بی تردید پیروزی از آن خلق های دلاور افغانستان است.

باید حق ما را بدهند. البته ناگفته نماند که همین وضع فلاکت بار برای همین تعداد خانوار الونک نشین کمی پائین تر از این محل یعنی در قسمت جنوبی خیابان زنجان نیز وجود دارد.

برای خانه گرفتن اتحاد لازم است

زحمتکشان زاغه نشین حق دارند و راست است که حق گرفتنی است و نه دادنی. همانطور که از ابلائی حرفهای خودشان نیز مشخص بود در مقابل این همه بی عدالتی تنها امید به ادامه مبارزه برای گرفتن زمین است که آنها را روی پا نگه میدارد.

الونک نشینان اگرچه خیلی ستم کشیده‌اند اما به همان اندازه هم پی برده‌اند که تنها راه رهایی از این وضع دردناک اتحاد و همبستگی هر چه بیشتر آنهاست. همگی مصمم اند که مبارزه ادامه دارد چرا که حق بازآغه نشینان است و آنها قادرند این مبارزه را به پیش برده و به خواست محقانه خود که یک وجب زمین برای مسکن است برسند.

نیستند، مستضعف یک طبقه می‌سازد یا ۵ طبقه؟ خانه‌های اینها که چند طبقه است. یکی دیگر غیاثوندی‌ها می‌گوید: این زمینی که دویست خانوار الونک نشین در آن زندگی می‌کنند، به هیچ وجه برای ماکافی نیست حتی اگر خانواده‌های ۵۰ متر زمین لازم داشته باشد باز هم اینجا زمین کم می‌آید. ما از دولت خواستیم که اول قبول کند که این زمینها که بیش از ۲۰ سال است در آن زندگی می‌کنیم مال ما باشد. تا ما همه این الونک‌ها را خراب بکنیم. یک تعدادی خانه‌های کوچکشان را بسازند و بقیه هم را می‌شوند یکجای دیگر بهشان زمین بدهند. اینجوری بعد از چندین سال بدبختی و دریدری صاحب یک چیزی که پشه اسمش را خانه گذاشت می‌شویم.

برات علی غیاثوندی می‌گوید: "من قبلاً" نقاش ساختمان بودم ولی خیلی وقت بود که بی کار بودم و حالا هم شیگردی می‌کنم و برچی ۱۱۰۰ تومان درآمد دارم، ۵ ساعت در دارم و بچه‌ها در کثافت زندگی می‌کنند. حیاط نداریم و باید آنها را اول کنم تو خیا این. در زمان شاه شهرداری چند بار این الونک‌ها را روی سرمان خراب کرد و حالا هم با اینکه مستضعف هستیم و انقلاب کردیم بهمون زمین نمی‌دهند."

